

آیت الله رئیسی: ماده ۱۰۰ نباید منبع درآمد

شهر داری ها باشد

نبايد به ساختمانی که با تخلف ساخته شده است، آب، برق و گاز داد

محیط زیست نباید تخریب شود و لو این که مسجد، حوزه، مدرسه یا خیریه در حال تأسیس باشد

صفحه ۹

دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۹۹ - ۶ ذی الحجه ۱۴۴۱ - ۲۷ جولای ۲۰۲۰ - سال نو د پنجم

#من _ ماسک _ می زنم

وزارت بهداشت: تهران منبع پخش کرونا در کشور است



عکس از AFP

گسترش اعتراضات مردم آمریکا از پورتلند به ایالت های جنوبی

صفحه ۱۲

گاردین: پمپئو، ترامپ را مجاب به ترور

ژنرال سلیمانی کرد

* وزیر خارجه آمریکا به ترامپ قبولانده بود که سر دار قاسم سلیمانی تهدید قریب الوقوع برای ایالات متحده است

* پمپئو به اسر انبلی ها گفته بود ترامپ فرستاده خداوند برای نجات یهودیان از دست فارس هاست

صفحه ۱۲

در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت

روحانی: بخش دولتی باید پیشتاز مقابله با گرانی باشد

* عرضه کالاها به قیمت مناسب از بر نامه های اصلی دولت در کنار رونق تولید است

* شفافیت در زمینه روند تولید محصول و تعیین قیمت موجب نظارت عمومی و مقابله با فساد و گرانی خواهد بود و رقابت را در اقتصاد رقم خواهد زد

* همه تولید کنندگان به ویژه دستگاه های دولتی موظف هستند برای مقابله با معضل گرانی اقدامات مؤثر انجام دهند

* افزایش قیمت در مورد کالاهایی که در بخش دولتی و عمومی غیر دولتی تولید می شود به هیچ عنوان قابل قبول نیست

* دولت با همکاری کار آفرینان، تولید کنندگان و صادر کنندگان معتبر، اقتصاد بدون نفت را عملیاتی کرده است

رئیس جمهوری با تاکید بر مقابله موثر با افزایش و خریدار نهایی هم باید به همان اندازه مورد توجه غیر قابل توجهی قیمت برخی از کالاها، تصریح کرد: و اهمیت باشد.

همزمان با تلاش برای رونق تولید و سرعت و حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی بهبود کیفیت تولید کالاها، عرضه کالا به مصرف کننده بقیه در صفحه ۲

ابتکار: اکثریت جامعه

مخالف «کودک همسری» هستند

* معاون رئیس جمهوری در امور زنان: دولت

موضوع تأمین وام ازدواج را در اولویت قرار داده و سال گذشته، ۳۰ هزار میلیارد تومان وام برای یک میلیون نفر در نظر گرفته شد

* اصلاح برخی قوانین و رسوم برای تسهیل ازدواج ضروری است

* بنابر یک پیمایش، میانگین سن مناسب ازدواج از نگاه مردم بالای ۱۶ تا ۲۵ سال است که نشان می دهد اکثریت جامعه مخالف کودک همسری هستند

صفحه ۲

استاد پور جوادی:

باید شدیدترین

مجازات برای

سرقت علمی

اعمال شود

* سرقت علمی، دزدی از تولیدات

معنوی اشخاص و حتی بدتر از

سرقت های مادی است

* اگر سارق آثار علمی مجازات

نشود دیگر کسی جرأت نمی کند

تزیین نفر دیگر را بزند

صفحه ۳



ویژه جامعه شمیمه اطلاعات امروز



لبنانهای شمیمه سنگین ها

تداوم وضع قرمز شیوع

کرونا به خاطر عادی پنداری

مسئولان و مردم

صفحه ۸



حقوقی

خسارت خواننده دعوا

در دادرسی

محمود اخوان

صفحه ۷



تظلماتی الهی شمیمه ها

مسئله

ایاصوفیه

گفتگو با دکتر محمد مسجدجامعی

صفحه ۶



روابط میهنی للمثال

چالش های

پیشبرد صلح

در افغانستان

صفحه ۵



صفحه ۲

آگهی فراخوان عمومی شماره ۱۲۷-۹۹ شناسایی پیمانکار



شرکت پتروشیمی سازند (سهامی عام)

شرکت پتروشیمی سازند (سهامی عام) در نظر دارد پیمانکاران واجد شرایط برای اجرای موضوع ذیل را به شرح مندرج در بند (الف) از طریق برگزاری فراخوان عمومی شناسایی نماید. لذا از شرکت های ذیل صلاح که آمادگی و توانایی انجام موضوع را داشته و دارای سابقه و تجربه مفید و مرتبط می باشند دعوت می گردد تا تاریخ درج آگهی تا مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۰ (به غیر از روزهای تعطیل)، ضمن معرفی نامه پنده مطلع و آگاه با همراه داشتن کلیه مدارک مورد نیاز در بند (ب) جهت تحویل مدارک به نشانی اراک، کیلومتر ۲۲ جاده بروجرد، مجتمع پتروشیمی سازند، دفتر امور پیمانها و برآوردهم راجعه و در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های ۰۸۶۳۲۶۳۳۵۱۰ و واحد نظارت و ۰۲۱۶۵-۳۲۶۳۳۱۶۳-۰۸۶ امور پیمان ها و برآوردهم تماس حاصل نمایند.

الف) شرح کار

۱- افزایش ظرفیت برج خالص سازی واحد اتیلن اکساید پتروشیمی سازند بدون تغییر در سایز تجهیزات فرایندی (ب) مدارک مورد نیاز:

۱- تصاویر اساسنامه، آگهی تأسیس، ثبت شرکت و آخرین تصمیمات و تغییرات مندرج در روزنامه رسمی.

۲- ارائه فهرست سوابق کارهای انجام شده مرتبط با در حال انجام با ارائه گواهی و رضایت نامه از کارفرمایان قبلی به همراه قراردادهای مرتبط طی ده سال اخیر.

۳- تصویر گواهی نامه ثبت نام مؤبدان مالیاتی (کد اقتصادی) و شناسه ملی، نشانی و کد پستی و شماره و تلفن (فاکس) تماس.

۴- ارائه گردش مالی شرکت، مقاصد حساب فرادادهای انجام شده، گواهی ارزش افزوده، کلی ضمانت نامه های اخذ شده طی یکسال گذشته، صورت های مالی حسابرسی شده برای سه سال اخیر و نیز گواهی نامه های معتبر دیگری که بنیبه مالی متقاضی را برای انجام موضوع این پروژه تأیید نماید.

۵- تصویر شناسنامه و کارت ملی (بشت و رو) صاحبان امضای مجاز شرکت.

۶- گواهی صلاحیت ایمنی پیمانکار با اعتبار زمانی و مرتبط با وزارت کار، رفاه و امور اجتماعی.

۷- نمودار (چارت سازمانی) کارشناسان و مهندسان و مدیران پروژه به همراه سوابق آنها.

۸- سایر مدارک و گواهی های معتبر و مرتبط با موضوع فراخوان که در از بانی توانمندی و تأیید صلاحیت متقاضی مؤثر باشد.

توجه: در صورت نقص و عدم تکمیل مدارک مذکور، آرازی با متقاضیان امکان پذیر نخواهد بود. همچنین ارائه مدارک و عدم تأیید صلاحیت، هیچ گونه عقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.

ج) سایر شرایط:

۱- محل اجرای کار، مجتمع پتروشیمی سازند نمی باشد.

۲- پیمانکاران باید توانایی لازم جهت تهیه ضمانت نامه های مورد نیاز شرکت در مناقصه و یا عقد قرارداد را طبق مقررات و ضوابط این شرکت داشته باشند.

روابط عمومی و امور بین الملل

شرکت پتروشیمی سازند

انتشارات اطلاعات منتشر کرد:



تدوین

کتاب «عرفان حج» به بررسی مناسک حج از دیدگاه معنویت و باطن نگری در حج متبلور است. دنیا و آخرت که مجموع نظام هستی را تشکیل می دهد، در عرفان و اسرار و احکام حج نمایان می شود. حج یکی از فروغ اسلام مانند نماز، روزه، جهاد، تولی و تبری است. ولی در عین حال خصوصاتی دارد که منحصر به فرد بوده و آن را بر سایر تعلیم اسلام برتری می بخشد. حج ضمن این که یک فریضه عبادی است و احکام خاص خود را دارد، یک مسأله مهم سیاسی نیز هست. نه تنها عبادی و سیاسی است بلکه یک مسأله بسیار مهم اجتماعی امت اسلامی هم هست که جهان را به خود متوجه می سازد. میلیون ها مسلمان با ملیت ها و رنگ ها و زبان های مختلف از سراسر این کره خاکی در یک جاجامع شده و همه یک شعار را سرلوحه و یک هدف را دنبال می کنند. از این رو می توان حج را ستایشگر اسلامی نامید.

عرفانی می پردازد، زیرا طبق آموزه های دینی هر ظاهری، باطنی دارد و هر باطنی، باطن های دیگر. ارزش واقعی اعمال در مراتب باطنی آن است. حفظ ظاهر به دلایل مختلفی مهم و واجب است، ولی کمال واقعی در باطن آن ظواهر نهفته است. این کتاب سعی دارد به بیان اسرار معنوی و عرفانی حج بپردازد که محصول زحمات و ریاضت های بزرگان و عرفای دین مبین اسلام در طول عمر پربارکشان بوده است.

* فروشگاه مرکزی: تهران بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۳۸۶

* فروشگاه شماره (۱): تهران خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴

* نمایندگی های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور، تلفن توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۲۴۲، ۲۹۹۹۳۳۰۶

* برای خرید پستی در سراسر کشور با تلفن ۲۹۹۹۳۳۰۶ تماس حاصل فرمایید.

* آدرس سایت فروشگاه اینترنتی: www.ketabtelat.com

شماره مجوز: ۱۳۹۹۰۲۱۶۴

آگهی عمومی از بابی کیفی مناقصه گران

مناقصه یک مرحله ای

شماره ۹۹/۴۴۴م

در یافت همزمان مدارک و سوابق متقاضیان و پاکت پیشنهاد

(به صورت فشرده)

موضوع: خدمات تهیه، طبخ و سرو غذا در مناطق عملیاتی و دفاتر ستادی شرکت نفت و گاز اروندان (مناقصه گران) در نظر دارد خدمات موضوع فوق را از طریق شرکت های واجد صلاحیت داخلی تأمین نماید. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر و چگونگی حضور در این مناقصه به وبسایت شرکت نفت و گاز اروندان به آدرس AOGC.ir مراجعه فرمایید.

در صورت نیاز با شماره تلفن کمیسون مناقصات ۰۸۸۲۲۲۵۴۶-۰۲۱ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت نفت و گاز اروندان

شماره مجوز: ۱۳۹۹۰۲۱۶۴

آگهی عمومی از بابی کیفی مناقصه گران

مناقصه یک مرحله ای

شماره ۹۹/۴۴۴م

در یافت همزمان مدارک و سوابق متقاضیان و پاکت پیشنهاد

(به صورت فشرده)

موضوع: خدمات تهیه، طبخ و سرو غذا در مناطق عملیاتی و دفاتر ستادی شرکت نفت و گاز اروندان (مناقصه گران) در نظر دارد خدمات موضوع فوق را از طریق شرکت های واجد صلاحیت داخلی تأمین نماید. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر و چگونگی حضور در این مناقصه به وبسایت شرکت نفت و گاز اروندان به آدرس AOGC.ir مراجعه فرمایید.

در صورت نیاز با شماره تلفن کمیسون مناقصات ۰۸۸۲۲۲۵۴۶-۰۲۱ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت نفت و گاز اروندان

مزایده ملک مازاد بانک سرمایه

(با شرایط نقدی)

بانک سرمایه

بانک سرمایه قصد دارد نسبت به فروش ملک

مازاد خود واقع در تهران -خیابان زعفرانیه

-خیابان آصف -خیابان بهزادی -بعد از ماکویی -پورویارک

ساسان (تندرستی) پلاک ۱۴ را از طریق برگزاری مزایده عمومی

اقدام نماید.

لطفاً جهت مشاهده این ملک به وبسایت بانک سرمایه به

نشانی www.bank.ir یا صفحات این بانک در اینستاگرام

و سروروش به نشانی @sarmayehbankafficial مراجعه

نموده و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱-۸۴۲۴۵۳۲۷

تماس حاصل فرمایند.

فراخوان عمومی یک مرحله ای

شرکت آلودمینی ایران



شرکت آلودمینی ایران

شرکت آلودمینی ایران در نظر دارد مناقصه های زیر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه های الف: استان خراسان شمالی - شهرستان جاجرود - مجتمع تولید آلومینا، به شماره: تلفن ۰۵۸-۲۳۶۰۵۳۴۵ و فکس ۰۵۸-۳۲۲۲۲۸۷ Info@iranAlumina.ir آدرس اینترنتی WWW.IranAlumina.ir

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۴۱۹۳۴ - ۰۲۱ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۸ - ۰۲۱

شناسه آگهی: ۹۲۵۲۹۷۰

روابط عمومی شرکت آلودمینی ایران

موضوع مناقصه

نوع مناقصه

شماره مناقصه در سامانه الکترونیکی دولت

یک مرحله ای

یک مرحله ای

موضوع مناقصه

مناقصه خرید و نصب دو عدد بابلر صنعتی جهت دودکش و سیلو ذخیره آلومینای شرکت آلودمینی

انجام عملیات بارگیری و حمل بوسیله های کامیون

انتقال آن بعد از پرداخت سرب و پودریه مربوطه

مهرلت زمانی در یافت اسناد مناقصه از سایت: از مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۵ لغایت مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۵ می باشد.

مهرلت زمانی ارائه پیشنهاد: مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۵ می باشد.

زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت ۱۱:۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۸ می باشد.

اطلاعات تماس مناقصه گران جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت های الف: استان خراسان شمالی - شهرستان جاجرود - مجتمع تولید آلومینا، به شماره: تلفن ۰۵۸-۲۳۶۰۵۳۴۵ و فکس ۰۵۸-۳۲۲۲۲۸۷ Info@iranAlumina.ir آدرس اینترنتی WWW.IranAlumina.ir

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۴۱۹۳۴ - ۰۲۱ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۸ - ۰۲۱

شناسه آگهی: ۹۲۵۲۹۷۰

روابط عمومی شرکت آلودمینی ایران

موضوع مناقصه

نوع مناقصه

شماره مناقصه در سامانه الکترونیکی دولت

یک مرحله ای

یک مرحله ای

موضوع مناقصه

مناقصه خرید و نصب دو عدد بابلر صنعتی جهت دودکش و سیلو ذخیره آلومینای شرکت آلودمینی

انجام عملیات بارگیری و حمل بوسیله های کامیون

انتقال آن بعد از پرداخت سرب و پودریه مربوطه

مهرلت زمانی در یافت اسناد مناقصه از سایت: از مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۵ لغایت مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۵ می باشد.

مهرلت زمانی ارائه پیشنهاد: مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۵ می باشد.

زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت ۱۱:۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۸ می باشد.

اطلاعات تماس مناقصه گران جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت های الف: استان خراسان شمالی - شهرستان جاجرود - مجتمع تولید آلومینا، به شماره: تلفن ۰۵۸-۲۳۶۰۵۳۴۵ و فکس ۰۵۸-۳۲۲۲۲۸۷ Info@iranAlumina.ir آدرس اینترنتی WWW.IranAlumina.ir

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۴۱۹۳۴ - ۰۲۱ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۸ - ۰۲۱

شناسه آگهی: ۹۲۵۲۹۷۰

روابط عمومی شرکت آلودمینی ایران

موضوع مناقصه

نوع مناقصه

شماره مناقصه در سامانه الکترونیکی دولت

یک مرحله ای

یک مرحله ای

موضوع مناقصه

مناقصه خرید و نصب دو عدد بابلر صنعتی جهت دودکش و سیلو ذخیره آلومینای شرکت آلودمینی

انجام عملیات بارگیری و حمل بوسیله های کامیون

انتقال آن بعد از پرداخت سرب و پودریه مربوطه

مهرلت زمانی در یافت اسناد مناقصه از سایت: از مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۵ لغایت مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۵ می باشد.

مهرلت زمانی ارائه پیشنهاد: مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۵ می باشد.

زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت ۱۱:۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۸ می باشد.

اطلاعات تماس مناقصه گران جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت های الف: استان خراسان شمالی - شهرستان جاجرود - مجتمع تولید آلومینا، به شماره: تلفن ۰۵۸-۲۳۶۰۵۳۴۵ و فکس ۰۵۸-۳۲۲۲۲۸۷ Info@iranAlumina.ir آدرس اینترنتی WWW.IranAlumina.ir

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۴۱۹۳۴ - ۰۲۱ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۸ - ۰۲۱

شناسه آگهی: ۹۲۵۲۹۷۰

روابط عمومی شرکت آلودمینی ایران

موضوع مناقصه

نوع مناقصه

شماره مناقصه در سامانه الکترونیکی دولت

یک مرحله ای

یک مرحله ای

موضوع مناقصه

مناقصه خرید و نصب دو عدد بابلر صنعتی جهت دودکش و سیلو ذخیره آلومینای شرکت آلودمینی

انجام عملیات بارگیری و حمل بوسیله های کامیون

انتقال آن بعد از پرداخت سرب و پودریه مربوطه

مهرلت زمانی در یافت اسناد مناقصه از سایت: از مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۵ لغایت مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۵ می باشد.

مهرلت زمانی ارائه پیشنهاد: مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۵ می باشد.

زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت ۱۱:۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۸ می باشد.

اطلاعات تماس مناقصه گران جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت های الف: استان خراسان شمالی - شهرستان جاجرود - مجتمع تولید آلومینا، به شماره: تلفن ۰۵۸-۲۳۶۰۵۳۴۵ و فکس ۰۵۸-۳۲۲۲۲۸۷ Info@iranAlumina.ir آدرس اینترنتی WWW.IranAlumina.ir

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۴۱۹۳۴ - ۰۲۱ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۸ - ۰۲۱

شناسه آگهی: ۹۲۵۲۹۷۰

روابط عمومی شرکت آلودمینی ایران

موضوع مناقصه

نوع مناقصه

شماره مناقصه در سامانه الکترونیکی دولت

یک مرحله ای

یک مرحله ای

موضوع مناقصه

مناقصه خرید و نصب دو عدد بابلر صنعتی جهت دودکش و سیلو ذخیره آلومینای شرکت آلودمینی

انجام عملیات بارگیری و حمل بوسیله های کامیون

انتقال آن بعد از

اسرائیل و یهودیان عرب

ایلان پاپه ترجمه محسن کر،باسفر وشان بخش اول



روایت‌اصولی وغالب‌صهیونیستی در اسرائیل پیرامون یهودیان شرقی می‌گوید آنها صهیونیست‌هایی بودند مشتاق آمدن به اسرائیل و حکومت این پادشادت را به یهودیان، جان آنها را حفظ کرد؛ اما شش‌هوا به یکی این روایت را با تردید مواجه ساخت. او این پادشادت را که صهیونیست نقش مهمی در زندگی یهودیان در دنیای عرب به طور عام و در عراق به طور خاص، بازی کرده است، زیر سؤال برد. او ضمن تأیید این واقعیت که آنها علاقه مذهبی نسبت به سرزمین موعود داشته‌اند، اظهار عقیده کرد: «آنان هرگز به اسرائیل به عنوان جایی که در آنجا زندگی خواهند کرد، یا سرزمینی که به آبادانی‌اش خواهند پرداخت، نگاه نمی‌کرده‌اند.» در همین حال، شن هو بر احساس وطن‌پرستی یهودیان نسبت به عراق و دیگر کشورهای عربی، تأکید داشت و این امر را دلیلی دیگر بر این می‌گرفت که یهودیان عراقی احساس نمی‌کردند مجبور به ترک آنجا هستند.

او باز هم جلوتر می‌رود و ادعا می‌کند آنها به این جهت به اسرائیل آورده شدند تا از یک‌سوی به عنوان نیروی کار ارزان‌قیمت، جایگزین فلسطینیان رانده و آواره باشند و از سوی دیگر، تعادل جمعیتی را به سود یهودیان برض کنند. در سالهای اولیه پس از تأسیس، رهبران اسرائیل می‌دانستند که با وجود پاکسازی قومی سال ۱۹۴۸، یک اقلیت فلسطینی در کشور باقی مانده است و یهودیان به اندازه کافی از کشورهای غربی به اسرائیل مهاجرت نکرده‌اند. شن هو پیرامون ادعای جنبش صهیونیستی که جنبش‌های آزادی‌خواهانه است تخم شک و تردید می‌پراکند و ادعا می‌کند ممکن است این جنبش، یهودیان اروپا را آزاد کرده باشد، اما به یقین یهودیان شرقی (مزارعی) را برده و بنده کرده است!

شن هو برای اینکه حوادث را خود شخصاً به یاد آورد، خیلی جوان بود؛ اما **اللا شهات** همه آن رویدادها را به‌خوبی به یاد داشت. او به‌خوبی و روشنی معنای یهودی عراقی را در اسرائیل می‌فهمید و می‌دانست، این خام امروزه در دانشگاه نیویورک تدریس می‌کند و شخصیتی است برجسته در مطالعات فرهنگی، امری که نومیادانه موفق به تبلیغ، ترویج و فیولاندن طر ح آن در محیط دانشگاه‌های اسرائیل نشده. به عنوان یک دختر جوان در سالهای ۱۹۶۰ اسرائیل، شهات کوشش می‌کرد لهجه عربی خود را کنار بگذارد و از گرفتن و خوردن نوع خاص عربی غذای مدرسه، که ممکن بود هویت عربی او را فاش کند، پرهیز می‌کرد. علاوه بر این، او متوجه شده بود که بسیاری از همسالانش، نام خانوادگی خود را تغییر داده و به عربی برگردانده‌اند. به این ترتیب او نیز با تغییر نام خانوادگی‌اش، خود را با وضع موجود، تطبیق داد (بعدها او به نام خانوادگی عربی خود برگشت و این کار را بخشی از مبارزه خود برای برابری و به‌رسمیت شناخته شدن هویت عربی‌اش دانست).

خارج از این تجربه، دوره‌ای طولانی از فعالیت و تحقیق پیش آمد که او را با دنیای تحلیل و تفسیر روشنفشاری و سینمایی آشنا و نسبت به آن آگاه کرد. او در این دوره، با کارهای **امدوار سحید** و نقد او از شرق‌شناسی یهودی نزدیک یافت. او نخستین کسی است که عبارت «یهودیان عرب» را ابداع کرد و به کار برد و در بسیاری جهات، در سبیز مزارعیان ضد صهیونیست و پساصهیونیست با ایده اسرائیل، پیشگام بود و آن را رهبری کرد.

نقط کمی بهتر از ارباب

پنهان نگداشته‌اش اصل و نژاد خود در میان بسیاری از یهودیانی که از کشورهای عربی آمده بودند، امری معمول و متعارف بود. **اریلا آزولی**، محققی قوی در زمینه مطالعات فرهنگی و مدیر چندین نمایشگاه مهم پساصهیونیستی در اسرائیل، طی سالهای ۱۹۹۰، قصه زندگی پدرش را نقل می‌کند. این خانم می‌گوید که پدرش در شهر اوران الجزایر به دنیا آمده است. به اسرائیل مهاجرت می‌کند و در بلو رود، نخستین گام را برای اسرائیلی‌شدن خود برمی‌دارد. وقتی مأمور مهاجرت از او درباره محل تولدش می‌پرسد، او با غرور می‌گوید که در اوران فرانسه به دنیا آمده است. او می‌نویسد: «هیچ‌کس نمی‌خواست زیر بار این واقعیت برود که اصل و نسبی اسرائیلی‌اش در اردو».

بسیاری از یهودیان عرب آنچه را به **الا شهات** و پدر اریلا آزولی گذشته است، و هنگام ورود به اسرائیل تجربه کرده‌اند. آنها رفتار متکبرانه و پر نخوت و تنگ‌بینانه جامعه یهودی میزبان خود، و در نظر برخورد موهن آنها را به‌خوبی احساس کردند. نخست‌وزیر وقت یهودان، **اسرائیل بن گوریون** در توضیحی که از یهودیان عرب‌تبار کرد، رها و بخورد با این هم‌کیشان را به هم‌فکرانش نشان داد. او گفت: «یهودیان عرب‌تبار فاقد ابتیاریت‌ترین شعور و دانش هستند و در آنها اثری از تعلیم و تربیت یهودی یا انسانی دیده نمی‌شود»؛ او نسبت به مهاجرت یهودیان تربیت به اسرائیل، دچار این نگرانی بود که اسرائیل کشوری عربی شود. گفته شد: «اما نمی‌خواهم اسرائیلی‌ها عرب باشند، ما موظف هستیم علیه روح شرقی که فرد و جامعه را فاسد می‌کند، مبارزه کنیم».

دیگر سیاستمداران اسرائیلی، دیدگاه‌های مشابه بن‌گوریون داشتند. **ابا اهان** که سالها عضو کنتست و بارها وزیر، از جمله وزیر امور خارجه اسرائیل در سالهای ۱۹۶۶-۱۹۷۴ بود، نسبت به برهنسنگی و اهمیت مهاجران از تبار شرقی ناراحت و نگران بود. **نوام گلدن** رئیس وقت آژانس یهود ادعا کرد: «این یهودی از اروپای شرقی، دوبرابر یک یهودی از کردستان آرزش دارد»؛ او پیشیگاه داد تریبیتی اعتناذ شود که افراد هر چه کمتری از آنان به اسرائیل برگردند. **گلدل ملر** که آنجا نخست‌وزیر اسرائیل بود، با صدای بلند حیرت‌خوار در چنین اعلام کرده بود: «ایا ما قادر خواهیم بود این مهاجران را با تمدن غرب آشنا کنیم و شیوه زندگی آنها را ارتقا دهیم؟»

دیدگاه‌هایی از این دست در سیاستمداران اسرائیلی را روزنامه‌نگاران برجسته اسرائیل انعکاس دادند. در ۱۹۴۸ یکی از آنان چنین نوشت: «ما بر مرمی سر و کار داریم که با هلاکت و بودیش‌شدن از اوج، سطح دانش و دانی‌شان وافتا نازل و هم‌تراز با جهالت و نادانی مطلق است. و بدر آن آن اینکه استعدای اندک برای فهم و درک هرچه روشنفکرانه است، دارند. به طور کلی این فقط کمی بهتر و بالاتر از سطح عمومی اعراب، سیاهان و بربرها در منطقه هستند. در هر صورت، آنها حتی به سطحی پایین‌تر از اعراب پیشین اسرائیل (فلسطینیان) قرار دارند.

این یهودیان قادر رفینه در یهودیت هستند، به‌گونه‌ای که کاملاً مطیع و فرمانبردار و وحشیگری و شعور حیوانی می‌شوند. در میان آنان آفریقایی‌هایی را می‌توان یافت که با مست‌اند، یا در حال شرط‌بندی و قمار و یا روسپی‌گری... به سیر تبت‌لاند و از کار بیزاره هیچ چیز پیرامون این عناصر غیر اجتماعی در امنیت نیست. حتی دست‌گاه کی‌تیمو می‌تواند خود را آنان جزئی بشود».

در سالهای اولیه دهه ۱۹۷۰، فعالان مزارعی به اندازه کافی زجر کشیده بودند. آنها در پی راه‌اندازی کارزاری بودند تا نظام حکومت اسرائیل را متقاعد سازند که «آنها از بیخ عرب نبوده‌اند».

آیا ما عرب هستیم؟

از خیلی وقت پیش، فعالان و سیاستمداران مزارعی علیه این تصویر منفی به‌خشم آمده و اعتراض برخاسته بودند. بیشتر این خشم متوجه حزب کارگر اسرائیل بود، حزبی که در ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۷ با‌ل‌منازع حکومت کرد. این حزب لیکود (حزبی از جناح راست و مخالف دولت) بود که به طور طبیعی عقیم‌سازی برنامه‌های حزب کارگر را در دستور کار خود داشت و در این زمینه هم به بهره‌برداری پرداخت. **متناخیم یگین** – رهبر لهستانی‌تبار لیکود – خشم مزارعی‌ها را آشکار کرد و آن را به کارزار تبلیغاتی انتخاباتی خود در سال ۱۹۷۷ برد؛ کارزاری که برای او حیزش، قدرت را به ارمغان آورد. لیکود هنوز در به صحنه سیاسی اسرائیل زندگی می‌کند و به گروهی دیگر از مهاجران تکام مانده، کمک می‌کند. این ناگامان امروزی، ایها هستند که آنجا هستند که از اتحاد جماهیر شوری و با بلوک شرق به اسرائیل آورده شده‌اند.

باسخ اصلی لیکود به تصویری منفی که از مزارعی‌ها ساخته شده، این‌س بود که یهودیان مزارعی هم مدرن و امروزی‌اند و هم یهودی و نه عرب. لیکود می‌گفت که آنها در حقیقت همان اندازه اروپایی هستند

که دیگر یهودیان. اثبات علت‌های این ادعا، به حقیقت به‌ترین می‌مقدان صهیونیستی قرار داشت که مهاجرت و خیبرگی آنان از مطالعات‌تاریخ پیرامون جوامع یهودی در دنیای عرب، مایه می‌گرفت. آنان در نشان دادن این که این جوامع یهودی دارای هویت و فرهنگ مستقل و زندگی تمام با خویشمانی در محدوده و محاصره فرهنگ عربی بوده‌اند، کاملاً توانمند بودند. یهودیان اروپایی، یهودیان عرب را بیشتر عرب می‌دیدند و می‌بینتد تا یهودی. این واقعیت تمایل بسیاری را یهودیان عرب را برای اینکه هر چه سریع‌تر در اسرائیل بماند، می‌توضیح می‌دهد و هم فاش می‌سازد. این حقیقت که بسیاری از آنان ظاهری عربی دارند، جلبشان را در آنجا بیشتر می‌کند و پیچیده‌تر کرده است. بسیاری از اوقات، همین ظاهر باعث شده نبره‌های امنیتی اسرائیل بازداشت‌شان کنند و با آنها رفتاری زشت‌ست داشته باشند. بدین‌فرار، آنها همواره مجبور بوده‌اند در مقابل چشم جامعه یهودی آشکارزی، از اروپایی، از خود عرب‌زدانی کنند. دوختن ستاره برادر بر شانه روی سینه لباس خود، یا گذاشتن یرمولک برجسته‌ای بر سر، تا اندازی زیاد سوغات‌هم در زمینه تشخیص هویت آنان را نزد ارباب قدرت، کاهش داده است.

اشاره: در روزهای اخیر با موضوع تبدیل ایاصوفیه از موزه به مسجد، یودیه کاری که برای بخشی از مسلمانان خوشایند و غرورآمیز بود و برای بخشی از مسیحیان، آشفایار، استاد مسجداجمعی به بررسی این موضوع و پیامدهایش در دو جهان اسلامی و مسیحی پرداخته است.
اخیرا تغییر کاربری عمارت ایاصوفیه از موزه به مسجد به دست دولت ترکیه، خبرساز شد و واکنش‌هایی را در سراسر دنیا برانگیخت. اهمیت این بنا در چیست و چرا این تغییر کاربری بدین اندازه جلب توجه کرده است؟

به طور خیلی گذرا، مسیحیت در سال ۳۱۳، با اعضای «فرمان میلان» توسط کنستانتین در همه گستره امپراتوری روم به رسمیت شناخته شد. یکی از اقدامات عجیب کنستانتین این بود که در سال ۳۲۴، پایتخت امپراتوری را از رُم به شهر باستانی بیزانتیوم یا همان بیزانس انتقال داد که بعداً کنستانتینوپول (شهر کنستانتین) نامیده شد که معرّش فلسطینیته است. همین شهر بود که بعدها اسلامبول و سرانجام استانبول نام گرفت. این انتقال باعث شد که شهر رم اهمیت خود را از دست بدهد. پس از فراز و نشیب‌های گوناگون، از اواخر قرن چهارم، ما شاهد دو امپراتوری هستیم: امپراتوری روم غربی (با مرکزیت رم) و امپراتوری روم شرقی (با مرکزیت قسطنطنیه). این یک تقسیم‌بندی صرفاً سیاسی نبود و این دو به لحاظ تمدنی و فرهنگی نیز متفاوت بودند. مهم‌ترین ویژگی امپراتوری روم غربی، زبان رسمی لاتین و «رومی» بودن فرهنگ و تمدن آن بود. در مقابل، زبان رسمی امپراتوری روم شرقی، یونانی بود و از نظر فرهنگی و تمدنی نیز «یونانی» به حساب می‌آمد.

مسیحیت موجود در آن دو قلمرو نیز دو گونه بود: مسیحیت «رومی» و «مسیحیت بیزانسی». اگرچه هنوز انشقاق بزرگ بین کاتولیسیسم و ارتدوکسی روی نداده بود، اما اینها دو نوع مسیحیت بودند و در دو موقعیت متفاوت تاریخی و تمدنی و فرهنگی و زبانی و ادبی قرار داشتند. این حالت ادامه یافت تا اینکه روم غربی با هجوم برپهرای ژرمن از شمال، سقوط کرد و در قرن پنجم، دیدگر چیزی به نام امپراتوری روم غربی وجود خارجی نداشت. ضمناً در همین خال قدرت بود که کلیسای روم غربی به عنوان تنها نهاد مدنی و سیاسی موجود در آن قلمرو، به رهبری پاپ قدرت گرفت. به‌خصوص پس از آنکه امپراتوری روم غربی از میان رفت، روم شرقی خیلی قدرت گرفت و قلمرو خود را گسترش داد. از شمال آفریقا و به‌ویژه مصر گرفته تا نزدیک تونس و مغرب، و از کل سرزمین شام گرفته تا قفقاز، همه زیر سلطه امپراتوری بیزانس بود. می‌دانید که در دوره اشکانیان، جنگ‌های ما با کل «امپراتوری روم» بود؛ اما در زمان ساسانیان، عملاً با «امپراتوری روم شرقی» می‌جنگیدیم.

و اما ایاصوفیه. کلیسای ایاصوفیه در سه مقطع تاریخی ساخته شد. کلیساهای اول و دوم که در بحث ما اهمیت خاصی ندارند، در شورهای آتش گرفتاری ویران شدند. مهم، مقطع سوم در قرن ششم میلادی است و بنای موجود (کلیسای سوم) نیز به همین مقطع زمانی بازمی‌گردد. کلیسای سوم در سال ۵۳۲ به دستور تئودورا-همسر زوستینیان یکم، امپراتور بیزانس–ساخته شد. با توجه به سقوط روم غربی، قسطنطنیه به مرکز مسیحیت تبدیل شده بود و ایاصوفیه نیز عملاً کلیسای جامع کل مسیحیت به شمار می‌آمد. در آن زمان هنوز سه شاخه ارتدوکس و کاتولیک و پروتستان به وجود نیامده بود. جدایی ارتدوکس و کاتولیک در سال ۱۰۵۴، و جدایی پروتستان‌ها در قرن ۱۶ اتفاق افتاد؛ بنابراین ایاصوفیه تا قرن‌ها عملاً مهم‌ترین کلیسای اکل مسیحیت» بود.

بعد از انشقاق بزرگ سال ۱۰۵۴، چون ایاصوفیه به قلمرو ارتدوکسی قرار داشت، مسیحیت کلیسای کل جهان ارتدوکس به شمار می‌آمد.

و اما سرانجام سلطان محمد فاتح قسطنطنیه را گرفت و دستور داد که ایاصوفیه را مسجد کنند. البته خود عثمانی‌ها می‌گویند که سلطان محمد این بنا را با مال شخصی‌اش «خریده» که چندان باورپذیری نیست؛ حتی اگر چنان‌که می‌گویند، آن را از جمله اموال امپراتور بیزانیم که به طور طبیعی به فرمانده برنده جنگ منتقل می‌شود؛ چرا که مسیحی اصولاً نمی‌تواند مایملک پادشاهان محسوب شود. مناره‌های کنونی آن را نیز

♦♦♦♦♦
ایاصوفیه یک مکان عادی نیست، بلکه از مهمترین رموز جهان مسیحیت است و حساسیت بسیار زیادی نسبت بدان وجود دارد. با توجه به اوضاع جهانی و جغرافیای دینی موجود، سؤال این است که: واقعا اردوکان به چه انگیزی‌ای این اقدام تنش‌آفرین را انجام داد؟

♦♦♦♦♦
بعدها دولت عثمانی به آن افزود. ضمناً باید اذعان کرد که مسلمان‌ها رفتار تمیزدانه‌ای با این کلیسا داشتند و نامدها و نقوشهای مسیحی آن را تخریب نکردند، بلکه آنها را فقط پودمانند و از نظر پنهان کردند. و در سال ۱۹۳۴ به دستور آتاتورک، ایاصوفیه به موزه تبدیل شد. آن پوشش‌ها نیز برداشته شد.

به هر حال ایاصوفیه یک مکان عادی نیست و یکی از رموز و بزرگ‌ترین رموز جهان مسیحیت است و حساسیت بسیار زیادی نسبت بدان وجود دارد. بدین لحاظ و با توجه به اوضاع جهانی و جغرافیای دینی موجود که در ادامه توضیح خواهم داد، سؤال این است که: واقعا اردوغان به چه انگیزی‌ای این اقدام تنش‌آفرین را انجام داده است؟ مقصداً که در استانبول مساجد فراوان و بعضاً بسیار بزرگی وجود دارد، مانند «مسجد سلیمان احمد»، «مسجد سلیمانیه» و «مسجد چالمیاجا».

پس پررزانیم به «جغرافیای دینی موجود» و **مختصات**

مذهبی‌گانی

آیا چنین بر قرن ۲۱

سیطره خواهد یافت؟

جانانار فنی

ترجمه: شهریار خواجهیان

نشر قنقوس

چاپ اول: ۱۳۹۹

۱۶۰۰ هزار تومان

چین ایبن – پر جمعیت‌ترین

کشور جهان تا اواخر دهه ۱۹۷۰

کشوری مزروی بود. با تصمیم

نخنگان حزب حاکم، در پایان این

دهه و ارتقای موقعیت حزبی و

سیاسی دنگ پین‌گ، یکی گام

در جاده‌ای گذاشت یک فکر کمتر

از نیم قرن آن را به سه یکی از

ابرقدردن‌های اقتصادی جهان تبدیل

کرد. اما آیا چنین می‌تواند آن‌گونه که

برخی کارشناسان و صاحب‌نظران

اقتصاد سیاسی جهان می‌گویند

ادامه این پیشرفت، بر قرن ۲۱ سطره

یابد؟ آیا می‌تواند آمریکا را پشت

پس‌گردار و شکوه تاریخی خود

را تکرار کند؟ آیا چنین هدفی با

توجه به مختصات و ویژگی‌های

اقتصادی /جغرافیایی /سیاسی/

جمعیتی و نیز شرایط زیست‌محیطی

چین تحقیق‌پذیرست؟

نویسنده اشتر حاضر که

چین‌شناس شناخته‌شده بین‌المللی

است، بر آن است با دلایل و شواهد

نشان دهد که چین نه می‌تواند نه

می‌خواهد که به چنین هدفی دست

یابد. این کتاب در پنج بخش:

«زویی چن» «بهای سیاست»

«وام توسعه متوسط» «چرایی‌ها»

نظرها و اندیشه‌ها

آن و ارتباطش با ایاصوفیه.

جغرافیای دینی دنیا در حال حاضر تحولاتی پیدا کرده و عمیقاً راستگرا و متعصب شده است: مسنلهای کرده متأسفانه علاوه بر بازتاب‌های دینی، دارای بازتاب‌های بزرگ سیاسی و اجتماعی و حتی رسانه‌ای نیز هست. راستگرایان دینی جدید اولاً بالذات و به طور کامل در تعارض با اسلام و مسلمانان قرار دارند. در کتاب جدید جان بولتون، تحت عنوان «اتاقی که در آن اتفاق افتاده، آمده است که ظاهراً در اولین ملاقات ترامپ با رئیس‌جمهور چین، ترامپ به سبب سرکوب مسلمانان سبن کیانگ، رئیس‌جمهور چین را می‌سازد و از موضع خصمانه‌ای که دولت چین در برابر آنها دارد، اظهار خوشحوی می‌کند! ترامپ از چینی که همیشه دشمن نیز کاملاً ضدیت دارند و مثلاً بوده است، به علت این قضیه ستایش می‌کند؛ در مورد هندوها نیز داستان به همین کیفیت است. در حال حاضر، یکی از ویژگی‌های مهم راست‌

گفتگو با دکتر محمد مسجداجمعی

بخش اول

گفتگو با دکتر محمد مسجداجمعی



دینی، ضدیت با اسلام و مسلمانان است. در ضمن نسبت جغرافیای دینی دنیای امروز با منافع و مصالح ما، هم به عنوان ایران و هم به عنوان شیعه و هم به عنوان یک نظام سیاسی، موضوعی مهم و کاملاً قابل بررسی است که البته نیازش جلسه مستقلی را می‌طلبد.

نکته دیگر این است که در درون هر دینی، طیف‌های گوناگونی وجود دارد؛ مثلاً کلیسای کاتولیک دارای گرایش‌های عمیقاً راستگرا پیدا کرده است، گرایشی که هرگز در کلیسای به این دندنی وجود نداشته است. و متأسفانه اوج آن در میان کاتولیک‌های امریکاست. نامه سرگشاده اسحق استف و یگانو به ترامپ عملاً نمودی از این واقعیت جدید در کلیسای کاتولیک است. این جریان در اروپا نیز وجود دارد، اما بدین اندازه پراخ‌شگر و در صحنه نیست، گرچه ماهیت آن اصولاً متفاوت با کاتولیسیسم راستگرای امریکایی است. البته اینها در اکثریت نیستند؛ اما تا توجه به اینکه قدرت پاپ ریشه دینی دارد، می‌تواند خیلی مؤثر واقع شوند و طیف‌های دیگر را نیز تحت تأثیر قرار دهند.

برای نمونه در همین کلیسای کاتولیک، پاپ به عنوان رهبر این مجموعه، مجبور است که میانگین مواضع جناح‌ها و گروه‌های مختلف موجود در مجموعه خود را لحاظ و مراعات کند. و اصولاً این نوع راستگرایی در همه ادیان و مذاهبی که به صورت متمرکز اداره می‌شوند، محدودیت‌هایی را به وجود می‌آورد.

پاپ کنونی تمایلات جهان‌شمولی و اصطلاحاً ترقی‌خواهانه دارد؛ یعنی در همه موضوعاتی که به جهان سوم و جهان مسلمان و نیز به مسائل فقر و مهاجرت و محیط‌زیست و مانند این مربوط می‌شود، مایل به همکاری است. فرانسس هیسپس (رابردی) سخن می‌گوید و معتقد است که ما پیروان ادیان ابراهیمی چارای نداریم چیز اینکه با یکدیگر گفتگو کنیم و به اصطلاح، همدیگر را داشته‌باشیم. حتی عنوان کتاب «ما برادران» مأخوذ از همین نوع نگرش اوست. در همین زمینه در فوریه ۲۰۱۹ در یک نشست، سرودهایی از احمد الطیب، «سند برادری انسانی برای صلح جهانی و بهرینستی» را امضا کردند که اتفاقاً خود پاپ پیوسته به آن ارجاع می‌دهد.

اما از این سو، طیف راست مورد اشاره، در بسیاری از این موارد و حتی در مسئله محیط‌زیست، هیچ تمایلی

به همکاری ندارد و عملاً مخالفت می‌ورزد؛ برای نمونه در حالی که همه شواهد علمی حاکی از گرم شدن زمین است، مایک پاپیو – وزیر خارجه امریکا – که مسیحی انجیلی راستگرا و متعصبی است، برای اینکه مجبور نشود انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهد، گفت: «بعضی دانشمندان فکر می‌کنند که ما داریم گرم می‌شویم و بعضی دیگر فکر می‌کنند که داریم سرد می‌شویم.» واقعا تنها یک درج لجه‌ای می‌تواند این‌گونه حرف بزند. به علاوه، یکی از مواردی که هواداران ترامپ او را به خاطرش ستایش می‌کنند، همین است که او با اصطلاح خوششان «انابروتنمتالیست» (طرفدار مسیحان‌زیست) نیست. اینها مخصوصاً به آنجا که به محیط‌زیست مربوط می‌شود نیز کاملاً ضدیت دارند و مثلاً با سند اعاضله در ابوطبی و به طور کلی با این نوع تفکرات کاملاً مخالفند.

آیا این طیف راست مسیحی، در بخش کاتولیک خود،



توسعه، می‌انداختند. مشکل این است که در گذشته مثلاً در امریکای دهه ۱۹۳۰، بنیادگرایی گروه‌های فاندائیلیست‌تنتا در موضوعات و مسائل اعتقادی و مخصوصاً در زمینه داروینسم و تمایل انواع و خطاپذیری کتاب مقدس و از این دست مسائل بود. آنها تقریباً هیچ فشار خاص اجتماعی یا سیاسی بر روی مخالفان خود که از روش‌شناسی‌های جدید تفسیر متن و از هرمنوتیک مدرن استفاده می‌کردند، وارد نمی‌آوردند؛ اما امروزه اوضاع دگرگون شده است و اینها می‌تواند فشارهای اجتماعی و سیاسی مؤثری وارد کنند و عملاً گروه‌های رقیب خود را به سکوت بکشانند. و یا به اتخاذ موضعی شبیه به مواضع خود وارد کنند. امروزه راستگرایان دینی می‌توانند غیرارتدادی درون‌دین خود را، مانع و علاً طرفی‌های آنها را محدود کنند.

این فشارها را عملاً **مصادفاً چگونه وارد می‌کنند؟** مثلاً با عنوان نوسر و ضدانسان‌های اثمال آقای و یگائوا همان‌طور که گفتیم، پاپ مجبور است که معدل مواضع طیف‌های گوناگون مجموعه خود را رعایت کند و مثلاً در بهانه‌هایی که برای تندروهای مجموعه‌اش به وجود می‌آید، یعنی در بهانه‌هایی مانند همین قضیه مسجد ایاصوفیه، ناچار است موضعی تندتر و تیزتر از آنچه خود واقعا بدان مایل است، اتخاذ کند تا در نزد هم‌کیشان و هم‌مذهبان خود مهم‌نم نشود. مخصوصاً در ارتباط با مسلمان‌ها، کاملاً مجبور است که از «موضع تهمت» فاصله بگیرد. در حال حاضر در همه جای دنیا در میان پیروان همه ادیان، طیف راست عملاً به عماد ناسیونالیسم و نماد وفاداری به اصول ملی و دینی و اخلاقی تبدیل شده است. و سایر طیف‌ها ناچارند که این واقعیت را کاملاً لحاظ کنند.

یادم می‌آید که پیشتر گفته بودید جهان به سوی قدرت‌یابی هویت‌های قومی و ملی در حرکت است.

بله، به در همان چارچوب می‌گنجد. هم‌اکنون دین قومیت، و ملیت با هم پیوند یافته‌اند و به طور متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند و طیف راست، خود را خشنگو و نماینده و وفادار نسبت به همه مسائل قومی و ملی و دینی می‌داند. این پیوند در مورد راستگرایان دینی قوی‌تر است. در مقایسه با کشورهای دیگر، این حالت در ایران خیلی ضعیف است. در هر حال، این یک جریان جدید جهانی است و پیوسته هم دارد به جلو می‌رود و تقویت می‌شود و هم‌اکنون اوجش را می‌توانیم در ترکیه ببینیم. البته در خصوص کشورودمان، باید مراقب باشیم که این گرایش افکند تند نشود که با اصول و مبانی و برخی مشترکات اعتقادی هم دارند و به لحاظ الهاتی، بنیادگرا (فاندائیلیست) به شمار می‌آیند. اما روی هم رفته انسان‌های خیلی معتقدی نیستند و از این مسائل بیشتر به عنوان دستنویز استفاده می‌کنند؛ مثلاً تا جایی که اطلاع دارم، همین و یگانو و برادرش آدم‌های فاسدی هستند و اتهامات مالی و پرونده قضایی دارند.

گویا و یگانو با پاپ موجود هم خیلی زاویه دارد!
رویداد ۲۰۱۸ و یگانو نامه سرگشاده‌ای نوشت و گفت که پاپ باید استعفا کند. قضیه به تئودور مک‌کاریک – کاردینال واشنگتن – و اتهام کاذب‌آزاری او با مربوط می‌شد. و یگانو مدعی شد در صورت که سفیر واتیکان در امریکا بوده، در جلسه‌ای، مشکل‌دار بودن مک‌کاریک را پیش از برملا شدن قضیه، با فرانسس در میان گذاشته، اما پاپ اهتمام لازم را به خرج نداده و اقدامی نکرده است. و یگانو بلوایی به پا کرد و جنجالی محیط‌زیست و مانند این مربوط می‌شود، مایل به همکاری است. فرانسس همیشه از (رابردی) سخن می‌گوید و معتقد است که ما پیروان ادیان ابراهیمی چارای نداریم چیز اینکه با یکدیگر گفتگو کنیم و به اصطلاح، همدیگر را داشته‌باشیم. حتی عنوان کتاب «ما برادران» مأخوذ از همین نوع نگرش اوست. در همین زمینه در فوریه ۲۰۱۹ در یک نشست، سرودهایی از احمد الطیب، «سند برادری انسانی برای صلح جهانی و بهرینستی» را امضا کردند که اتفاقاً خود پاپ پیوسته به آن ارجاع می‌دهد.

اما از این سو، طیف راست مورد اشاره، در بسیاری از این موارد و حتی در مسئله محیط‌زیست، هیچ تمایلی

1. Edict of Milan
۲. کتاب Noi Fratelli (ما برادران) مجموعه‌ای است مشتمل بر چند مقاله و مصاحبه به زبان ایتالیایی درباره روابط اسلام و مسیحیت و همراه با تخریظی از پاپ فرانسیس.
۳. به عربی: «الاثوآه الانسانیة من أجل السلام العالمی و المتشرك» و به انگلیسی:
Document on Human Fraternity for World Peace and Living Together// 4.environmentalist/ 5. Marcel Lefebvre// 6. Lefebvrian// 7. Titular Archbishop of Ulpiana// 8. Stephen Kevin Bannon// 9. Jean-Louis Tauran

در نگهداری از آنها از یک سو و استقبال از مسئولیت سنگین حفاظت از بخشی از مقدس‌ترین مکان‌های مسیحیان در سراسر جهان از سوی حضرت مریم^۷ و یوحنا مقدس گرفته تا محل تصلیب از سوی دیگر، شخصیت برهمن‌ساقم‌نشینان را نشانگر ذات واقعی ارمنیان قرار داده است.»

رقص خورشید در روز ابری

حنا حاتم

ترجمه: صد عاظمی

نشر قنقوس

چاپ اول: ۱۳۹۷

۲۲۳۳-۱۶۰۰ هزار تومان

حنا حاتم – روزنامه‌نگار و

رهان‌نویس برجسته له‌ا و سوریه و

یکی از نویسندگان تأثیرگذار عرب

که «پدر زمان مدرن» سوریه یا

«بنیانگذار زمان سیاسی» در این

کشور خوانده می‌شد. شجاعش

در ایجاد تشکیلات ادبی کشورهای

عربی و تشویق نویسندگان در

پرداختن به موضوعات سیاسی

است.
او در زمان حاضر (۱۹۷۲) به

قتل پدری می‌پردازد که به نوعی

نماد جهانی است که براساس سلطه

و بهره‌کشی یادگاری شده است،

او سعی دارد تا با اختلال در تصویر

پردگانی جهان، اسطوره را از محاله

قدسی اثر برهاند تا رادی دماشتش

ثبات یب‌چون و چرا را ویران کند.

با جامعه به سوی شرایطی انسانی

مثل آزادی، عدالت، کرامت و عشق

و آفرینش‌گری حرکت کند.

در شماره ۸۸ فصلنامه «ایمان»

این مطلب در سه هفته اخیر، سخن

پرشیوا به بیندیشند، کتاب حاضر

را بخوانید»

پیمان

در شماره ۸۸ فصلنامه «ایمان»

این مطلب در سه هفته اخیر، سخن

پرشیوا به بیندیشند، کتاب حاضر

را بخوانید»

در شماره ۸

اخبار کوتاه داخلی

شمسایی: در گیتی‌سند برنامه پنجساله دارم

سرمربی جدید گیتی‌سند گفت: برای موفقیت گیتی‌سند برنامه پنج ساله دارم و امیدوارم روزهای خوبی را برای این باشگاه رقم بزنیم.
وحید شمسایی در گفت و گو با ایرنا اظهار داشت: مسوولان این باشگاه به قدر فنی گیتی‌سند اضافه شده‌اند ضمن اینکه فهرست بازیکنان دم نظرم را به مدیران باشگاه داده ام تا نسبت به جذب آنها اقدام کنند.

بنوی لزبور دوچرخه سواری اعلام کرد برای مسابقات تیش به اسپانیا نخواهد رفت.
سیمه یزدانی ملی پوش دوچرخه سواری بانوان که عضو تیم وی ای بی نچرال اسپانیا است، در حال حاضر در نهرسان تمرین می‌کنددر حالی که رقابت‌های بین المللی این تیم از ماه آینده مبادی آغاز می‌شوددر این شرایط یزدانی به‌یاشگاهش اعلام کرده‌نمی‌بوش در مسابقات حاضر شدبنوی ملی‌پوش

دوچرخه سواری کشورمان در این باره در گفت‌وگو با فارس اظهار داشت: مسئولان باشگاه به من اعلام کردند تمرینات تیم برای مسابقات آینده از اول آگوست (۵ روز دیگر) آغاز می‌شود و تیم به من نیاز دارد، اما گفته به دلایل شخصی نمی‌توانم تیم‌ری آماده داد؛ با این تیم تیم قرارداد دارم اما پیش از این اعلام کرده بودم در مسابقاتی که بتوانم، شرکت می‌کنم.

ثبت نام ساعی برای دیاست کمیسون ورزشکاران

پرافتخارترین المپین ورزش ایران گفت با توصیه و درخواست کمیسون ورزشکاران در دوستان و با توجه به خوابیدن کار کمیسون ورزشکاران در انتخابات ریاست کمیسون ثبت‌نام کردم.
هادی سماعی در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم، اظهار داشت: از دو دوره گذشته قصد دارم در این دو دوره نیز کاندیدا نشدسم، اما در حال حاضر با توجه به اینکه کار کمیسون خوابیده است و دوستان نیز درخواست و توصیه کرده‌اند در انتخابات ثبت‌نام کردم.وی در خصوص نازاری خود از حمید سوریان، گفت: خیلی زشت است سوریان حالا که در کمیسون حضور ندارد به دنبال مهره‌چینی باشد. سوریان اگر می‌توانست کار کند به عنوان رئیس این کمیسون به کار خود ادامه می‌داد، اما توانست دو جلسه را برگزار کند و حالا از بیرون در حال اظهار نظر است.

همکاری دوباره شیری با مربی سابقش

هادی سپهرزاد دوباره قرار است به عنوان مربی تمرینات بهنام شیری را زیر نظر بگیرد. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، بهنام شیری پرتایگر کشورمان که بعد از اردوی بالاروس به تنهایی تمرین می‌کرد قرار است با تصمیم شورای فنی فدراسیون دو و میدانی دوباره زیر نظر هادی سپهرزاد فعالیت تحت ادامه بهلد. هادی سپهر زاد پیش از این مربی شیری بود و شیری با هدایت او توانست نایب قهرمان آسیا شود، اما رئیس سابق فدراسیون دو و میدانی و سازمان تیم‌های ملی در آن مقطع، تصمیم گرفتند که به همکاری این ۲ نفر پایان بدهند و شیری با یکی مربی بالاروس تمرین کند. در هر حال قرار است سپهرزاد و شیری شنبه هفته آینده در تهران دوباره برنامه‌های خود صحبت کنند.
تا تمرینات پرتایگر کشورمان زیر نظر مربی جدیدش برای آمادگی مسابقات انتخابی المپیک شروع شود.

از چند سال قبل با شکل گرفتن موج جدید مربی‌های جوان استقلال، گزینیه‌ها و آلترناتیوهای نیمکت آبی پوششان به شکل چشمگیری افزایش پیدا کرده و حالا تعداد کسانی که می‌توانند و ممکن است سرمربی‌های استقلال باشند به یک، دو و حتی سه گزینه محدود نمی‌شود.

به گزارش ایلنا، در سال‌های گذشته نیمکت استقلال در گیر یک سبک‌ل بسته و تکراری بین نفراتی چون امیر قلعه نویی، صمد مرافی و پرویز مظلومی بود و از لیگک اول تا پانزدهم روی نیمکت، این نفرات بودند که ویی نیمکت آبی دیده می‌شدند.در مقابل، از بین بزرگان استقلال در دهه ۶۰ و ۷۰ نفراتی چون شاهرخ و شاهین یبانی، رضا احدی، صادق ورمزیار، مهدی فتوی زاده، عباس سرخاب، عبدالعلی چنگیز، مجید نامجوملطقی، رضا حسن زاده و جواد زرینچه سگ‌رول روی نیمکت سرمربیگری استقلال و هیچ تیم یک بزرگی قرار نگرفته که هرکام دلیل وعلت خاص خودش را داشت. از آن نسل طلایی همان طور که اشاره شد فقط قلعه نویی و مرافی در عرصه مربیگری لیگ برتر فعال بودند و بقیه حداکثر مستی‌ار اول بودند یا در لیگ یک و دو و فوتبال پایه فعالیت کردند.
غیر از یکی دو نفر از جمله زرینچه که همین تازگی‌ها گلایه‌های همیشگی‌اش درباره ندیده شدن در چرخه سرمربی‌گری را تکرار کرد و نامجوطلق بقیه انگار اصلا دنبال سرمربیگری در لیگ برترم نبودند.
با این وجود، ماجرای زسل بعدی استقلال‌ها متفاوت است واغلب آنها با به عرصه مربیگری گذاشتند

به جز چند نفر انگشت شمار مثل وحید طالب‌لو و امیرحسین صادقی که تاکنون تمایلی برای مربیگری از خودشان نشان نداده اندبر این اساس حالا تعداد کسانی که می‌توانند و ممکن است سرمربی بعدی استقلال باشند به چند گزینه محدود مثل سال‌های نه چندان دور، ختم نمی‌شود و همین امروز به صورت بالقوه، دست کم ۱۰ گزینه احتمالی برای نیمکت آبی پوشان در سال‌های آینده وجود دارد.
داریوش یزدانی، محمد فتوی، مهدی پاشاژاده، محمود فتوی، سهراب بختیارز زاده، علیرضا منصوریان، فرهاد مجیدی، جواد نکونام، پیروز قربانی و رضا عنایتی

از جمله این گزینیه ها هستند که باید نفراتی چون خسرو حیدری، مجتبی جباری، اندرانیک تیموریان – که دوره‌های مربیگری را پشت سر می‌گذارند- و همچنین مهدی رحمتی که سال‌های آخر فوتبالش را پشت سر می‌گذارد و برای وارد شدن به این عرصه ابراز تمایل کرده و استت را هم به این لیست، اضافه کرد.البته نباید از نظر دور داشت که این موج نو مریان جوان استقلال که چندسالی است به راه افتاده و همان طور که اشاره شد تا چندسال دیگر هم می‌تواند ادامه داشته باشد، حوب، امیدوار کننده و حائز اهمیت است.

از ایسن جمیع ۱۰ نفره بر

ورزشی

دست باز آبی پوشان برای استفاده از گزینه های پرتعداد استقلال



نکونام
شمرده شده،در حال حاضر مجیدی با استقلال، نکونام با فولاد، فتوی با نساجی، پاشاژاده با شاهین بوهر و سرمیگری استقلال یا دستیار اول در لیگ برتر سرمربیگری می‌کنند.
منصوریان ۲ فصل سرمربی استقلال را داشته اند که این موضوع نشان می‌دهد نام آنها از چشم مدیران استقلال و فدراف شرف و اعتبار استراماچونی برخوردار است. اما فرهاد هادی می‌دهد عنوان کرده ام که فرهاد بزرتری هم سرمربیگری کرده و پنهان نامنده است.
حالا امیر قلعه‌نویی و پرویز مظلومی هم که آلترناتیوهای سنتی نیمکت استقلال به شمار می‌روند، بهماندا وجود این همه گزینه و مدعی برای هوادار یزدانی هم در فوتبال ایران کمتری می‌کنند.
تمام این نفرسات کاریزما و

طارمی، موفق ترین ایرانی لیگ پر تغال



درصد گلزنی پناثی را به خود اختصاص داد. او هر ۷ پناثی را به گل تبدیل کرد با این حال الکس تلس از پورتو بیشترین گل را از روی نقطه پنالتی وارد دروازه رقبا کرد. ستاره پورتو از ۱۰ پناثی ، ۸ را به گل تبدیل کرد. به هر حال مجیدی گل ۳ تا از چهار پناثی را به گل تبدیل کرد. در بخش مصراوع گل و پاس گل

مهدی طارمی با ۲۰ گل‌تازگی‌اش نفر چهارم بود. در این بخش هم پیترز نفر اول شد. البته که اگر پناثی‌هایی که طارمی برای تیمش گرفت را محاسبه کنیم او به رده دوم صعود می‌کند.
مهرداد محمدی هم با ۱۳ گل‌تازگی‌اش مستقیم روی گل در رده پانزدهم قرار گرفت.
مهرداد محمدی در بخش گل‌های کلین شیت در جای اول قرار گرفت.

ساخت‌مند: از مجیدی حمایت می‌کنم

کوتاه و بلند مدتی که دارند بهترین و مناسب ترین گزینه را انتخاب کنند و این یک امتیاز و حسن بزرگ محسوب می‌شود تا مانند لیگ هفتم وقتی به دنبال جانشینی برای سرمربی تیم هستند مجبور نشوند مربی را خارج از مجموعه استقلال بیاورند که شناخت چندانی از فضا و اتمسفر تیم ندارد و به نوعی در بین پیشکوتاه و هواداران غیر خودی محسوب می‌شود.

مذی‌عمرال استقلال می‌گوید که چمنسان از فرهاد مجیدی ی کادر فنی تیمش حمایت می‌کند.

به گزارش ایسنا،حمیدسعادتمند، مدیرعامل استقلال در گفت‌وگویی تلویزیونی گفت: استقلال به عنوان پرافتخارترین باشگاه در آسیا باید وضعیت خود را داشته باشد. ما با یک تیم قوی دیدار داشته‌ایم و حقوقی می‌خواهیم مشکلات را برطرف کنیم تا دل هواداران ششاد شوداو درباره درخواست هواداران استقلال مبنی بر بازگشت آندره‌آ استراماچونی گفت: من بارها در برنامه های مختلف عنوان کرده ام که فرهاد مجیدی سرمربی استقلال است. ما در ادامه لیگ بازی‌های مهمی داریم و من و هیئت مدیره از ایشان حمایت می‌کنم. ما می‌خواهیم در جام حذفی قهرمان شویم و باید در مسابقات لیگ قهرمانان آسیا که در دوچه برگزار می‌شود، شرکت کنیم. سعادتمند افزود: کادر فنی ما دارد کار می‌کند و ما یک بازی مهم مقابل پاری سن ژرژر می‌شود، شرکت کنیم. سعادتمند افزود: کادر فنی ما دارد کار می‌کند و ما یک بازی مهم مقابل پاری سن ژرژر می‌شود، شرکت کنیم. سعادتمند افزود: کادر فنی ما دارد کار می‌کند و ما یک بازی مهم مقابل پاری سن ژرژر می‌شود، شرکت کنیم. سعادتمند افزود: کادر فنی ما دارد کار می‌کند و ما یک بازی مهم مقابل پاری سن ژرژر می‌شود، شرکت کنیم.

موفق باشیم.

به خود اختصاص داد.
مهرداد ۲ ضربه از ضربه پنالتی‌ها را به گل تبدیل کرد و به جز او کابرال و مارلون توانستند این تعداد گل را به برسانند ولی تعداد ضربات کل آنها به ترتیب ۱۱ و ۱۰ و وینیسیوس در هر ۹۹ دقیقه یک گل به ثمر رساند و آقای گل شد اما طارمی با یک گل در هر ۱۳۱ دقیقه نفر سوم شد.
مهرداد محمدی هم با گلزنی در هر ۲۹۲ دقیقه در جایگاه سی و چهارم جای گرفت.
در بخش سبور در بازی برای عازل‌زاده با میانگین ۲٫۹ سبور در رده هشتم قرار گرفت.
شاید اگر بازی‌های بیشتری را انجام می‌داد می توانست به رده‌های بالاتر نیز صعود کند.
امیر به طور میانگین در هر مسابقه یک گل خورد.
گل ایرانی تیم ماریتیمو با ۱۰ گل‌شیش پنجمین دروازه‌بان برتر پرتغال در این فصل شد و اوگوستین مارچسین آرژانتینی و ملی‌پوش ۱۸ کلین شیت در جای اول قرار گرفت.

جیمز همچنان به یاد براینات
ستاره تیم بسکتبال لس آنجلس لیکرز در بازی تیش برابر اورلاندو میچیک، پساد براینات را زنده نگه داشت.به گزارش خبرنگارای فارس، کوپی براینات اسطوره بسکتبال آمریکا و تیم لس آنجلس لیکرز زمستان سال گذشته به دلیل سقوط هلی کوپتر شخصی، جان خود را از دست داد تا دنیای بسکتبال در ششوک عظیمی به سر برد.بر همین اساس لیران جیمز که رابطه صمیمانه‌ای با براینات داشت، همچنان یاد او را در مسابقات زنده نگه می‌دارد به این سبب در دیدار تارکاتی مقابل اورلاندو پارچه‌ای را به صورت حلقه در انگشت خود قرار داده بود که شماره پیراهن کوپی یعنی ۲۲ روی آن نوشته شده بود.

افشایگری رئیس باشگاه بارسلونادر مورد رئیس لالیگا
جوبز ماریو بارتونمو رئیس باشگاه بارسلونا اقدامات رئیس لالیگا را افشا کرد.
به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، «جوسوبز ماریو بارتونمو» رئیس باشگاه بارسلونا در مصاحبه‌ای (زینس) از عملکرد «خاویر یاباس» (رئیس لالیگا) انتقاد کرد و ادعا کرده که مسائل پشت پرده رئیس لالیگا را می‌داند و اگر این اسرار افشا شود عواقب بدی در انتظار او خواهد بود.بارتونمو ادعا کرده است که یاباس در سایت‌های شرط بندی فعالیت می‌کند و بسیاری از نتایج لالیگا تحت تاثیر شرط بندی‌های او قرار می‌گیرد.بدون شک اگر ادعای رئیس باشگاه بارسلونا ثابت شود بحران بزرگی در کشور اسپانیا به وجود می‌آید.

ماروتا: مسی کی خیال برای ایتر است
مدیر ورزشی باشگاه آلمانی شایعه را دوستن مهاجم بارسلونا به این تیم را رد کرد.
به گزارش ایسنا و به نقل از آس، طی روزهای اخیر به خاطر حضور پدر لیونل مسی در اتالیا شایعه پیوستن ستاره آرژانتینی به ایتر در میان هواداران این تیم به وجود آمد. تراژوری از دوران مورتانی علاقه‌مند به اضافه‌ی قرارداد با مهاجم بارسا بوده است و این حال جوزه ماروتا، مدیر ورزشی ایتر به این شایعات پایان داد و گفت، مسی فقط یک خیال است و در میان اهدافمان قرار ندارد. او می‌خواهد فوتبال و زندگی‌اش را در بارسلونا ادامه دهد.

زلاتان: منتظر خداحافظی من نباشید
سستاره تیم فوتبال آتم‌ایلان گفت: منتظر خداحافظی من نباشید؛ من تازه گرم شده ام و می‌خواهم به فوتبال ادامه دهم.
به گزارش ایرنا، زلاتان ابراهیموویچ که پس از فصلی به تیم آتم‌ایلان پیوسته بود، توانست عملکرد بسیار خوبی داشته باشدوهوادارانش معتقدند که او باید کامکان به بازی در سطح اول اروپا ادامه دهد. در این میان زلاتان مبنی بر خداحافظی زلاتان به گوش می‌رسد اما او با انتشار پستی به این موضوع پایان داد ونوشت: مردم تصور می‌کنند که کار من در فوتبال تمام شده اما آن‌ها شناختی از من ندارند. من تمام‌شتم شستم. در طول زندگی همیشه در حال جنگیدن بودم. من به خودم پاور دارم زیرا جنگی در ابتدا من را باور نداشت. کسانی که به دنبال شکست من هستند مرا قوی‌تر می‌کنند.

پیشنهاد همتی برای قدردانی از ۱۰۸ صادرکننده

به همراه ۲۴ شرکت عمده فولادی و معدنی و ۴۸ شخص حقوقی از سایر گروه صادرکنندگان، هر یک با صادرات بیش از ۱۵ میلیون دلار که حداقل ۷۰ درصد از ناآنی از صادرات خود را در دو سال گذشته به چرخه اقتصاد برگردانده‌اند، در دو سال گذشته به چرخه اقتصاد کشور برگردانده‌اند و معرفی او از رئیس‌جمهوری درخواست کرد

آگهی مزایده عمومی ۰۴-۹۹ (انواع خودروهای سواری)

وراثه پیشنهاد قیمت به منزله قبول شروط و تکلیف مقرر در اسناد مزایده می باشد.
ش رکت گزار در رد قبول پیشنهادها در هر مرحله از فرایند مزایده مختار می باشد.
ش رکت کنندگان باید شرایط مزایده را پس از اخذ به دقت مطالعه و باورده اطلاعات صحیح، امضا نموده و با ثبت های در بسته به متصدی در صورت تحویل نمایند.
ش رکت وچوه در پناثی از بابت فروش اقلام موضوع مزایده به صورت نقدی بوده و هر گونه مالیات، عوارض و حقوق دولتی مربوطه طبق مقررات و قوانین و همچنین هزینه آگهی و کارشناسی مزایده به عهده برنده مزایده می باشد.
کلیه ش رکت کنندگان موظف به رعایت دستورالعمل های مرتبط با پیشگیری از ابتلا به ویروس کرونا می باشند و همراه داشتن ماسک و دستکش توسط کلیه شرکت کنندگان در مزایده الزامی می باشد.
برنده مزایده بایستی حداکثر ظرف مدت (پنج) روز کاری پس از تاریخ اعلام نتایج، کل مبلغ پیشنهادی خود را به طوریک جاباریز ورسید دریافت نماید. در غیر این صورت طبق شرایط مزایده سیرده ش رکت در مزایده، بدون انجام هر گونه تشریفات قضایی یا اداری به نفع مزایده گزار وصول و ش رکت کنند حق هیچگونه اعتراضی نخواهد داشت.
(صنایع د از وایز وچه بابه التفات امکان انصراف وجود ندارد).
چیت اطلاع از ضوابط و محدودیت مربوط به هر کدملی به اطلاعات مندرج در سایت ش رکت به آدرس: www.lkcor.ir و اطلاعیه های اعلامی در محل برگزاری مزایده مراجعه نمایند.
قبل از مراجعه جهت ثبت نام و دریافت اسناد مزایده، تکمیل اطلاعات شخصی در وب سایت www.tsetmc.com الزامی است و در صورت عدم ثبت اطلاعات امکان ش رکت در مزایده وجود ندارد.

آگهی عرضه عمومی سهام

ش رکت ایران خودرو دیزل (سهامی عام) در نظر دارد، مادل عام، ۹۹/۹۹ درصد سهام ش رکت چرخشگر را با مشخصات و شرایط ذیل به صورت مزایده عمومی از طریق سازمان بورس و اوراق بهادار واگذار نماید.

| نام شرکت | نوع فعالیت | نوع چرخشگر |
|------------------------------------|--------------|--------------|
| ش رکت ایران خودرو دیزل (سهامی عام) | ش رکت چرخشگر | ش رکت چرخشگر |

شرایط معامله:

- قیمت و زمان قطعی مزایده و شرایط کامل آن از طریق اطلاعیه ش رکت بورس و اوراق بهادار، تهران اعلام می گردد. بدیهی است بالاترین قیمت ثبت شده در سامانه معاملات مبنای نمن معامله قرار می گیرد.
- ش رکت در مزایده و حضور در قیات بورس به معنی اطلاع و رعایت کامل و قبول شرایط مندرج در آن است و خریداران موظف به رعایت مفاد آن می باشند و چنانچه برنده مزایده، ظرف مهلت مشخص طبق مقررات بورس، نسبت به پرداخت تمام من معامله و امضای قرارداد فروش اقدام ننمایند، سیرده وی پس از کسر کسورات قانونی به نفع ش رکت ایران خودرو دیزل ضبط خواهد شد و برنده معامله هیچگونه ادعایی نسبت به مبلغ سیرده نخواهد داشت.
- با توجه به قوانین ش رکت ایران خودرو دیزل، خریدار اخذ پندارن می بایست سهام را در دارا باشند و وراثه پیشنهادها حتی برای ش رکت کنند در مزایده و ایجاد تکلیف یا سلب اختیار از ش رکت ایران خودرو دیزل الزامی نمی نماید.
- کسب اطلاعات کافی و وافی از وضعیت مالی، اقتصادی، فنی و حقوقی ش رکت مورد واگذاری قبل از تاریخ انجام معامله بر عهده خریدار است. خریدار بعد از واگذاری حق هیچ گونه ادعا علیه فروشنده به استناد نداشتن اطلاعات لازم از اسناد و صورتهای مالی، اقتصادی، فنی و حقوقی و آخرین وضعیت حسابها و موارد اعلامی و اطلاعات دیگر مربوط به سهام مورد معامله و ش رکت مربوطه را ندارد. حضور ش رکت کنندگان در معامله سهام به منزله قبولی و اطلاع از موارد مذکور و شرایط و مفاد قرارداد فروش می باشد.
- در صورت معامله سهام به صورت نقد و شرایطی، خریدار متعهد است در توفیق کل سهام تا زمان تسویه مبلغ فروش، طبق مقررات سازمان بورس و اوراق بهادار اقدام نماید. ش رکت ش رکت ایران خودرو دیزل به موجب ماده ۴۴۶ قانون مدنی در صورت وجود عیب از عیوب تبری کرده و خریدار هیچگونه حقی از جمله حق رجوع به ش رکت در مزایده وجود ندارد.
- کار گزاران خریدار در صورتی مجاز به ورود سفارش خرید به سامانه معاملات هستند که مطابق ضوابط سازمان بورس و اوراق بهادار، سیرده ش رکت در قیات راز، از متقاضی دریافت نمایند که در صورت تخلف خریدار از انجام تعهدات خود، مبلغ سیرده به عنوان جبران تخلف واره در نفع فروشنده ضبط گردیده و ش رکت نخواهد شد.
- متقاضیان می توانند برای دریافت اطلاعات و صورتهای مالی ش رکت مورد معامله به وبسایت www.codal.ir مراجعه نمایند و برای کسب اطلاعات بیشتر به ش رکت ایران خودرو دیزل، به نشانی تهران – بزرگراه آزادگان – ابتدای بزرگراه آله سعیدی – پلوار شهدای ایران خودرو دیزل مراجعه نمایند.

ش رکت ایران خودرو دیزل



شماره ۶ مرداد ۱۳۹۹ - ۶ ذی الحجه ۱۴۴۱ - ۲۷ جولای ۲۰۲۰ - سال نود و پنجم - شماره ۲۷۶۱۵



ورزشی



دست‌اندرکاران امور عمر از جریان دولت با شبکه‌های علمی و دانشگاهی ایران ضرورت افزایش تلاش برای حل مشکلات زی‌راه‌های علمی و تکنولوژیی کشور در زمینه توسعه ملی را پیش‌احساس می‌کنند و بر خود واجب می‌شمرند.

وی درباره گزارش‌های معترضان علیه برنامه علمی‌های هسته‌ای ایران نوشت: گزارش‌های متعدد و مختلفی که بسیار از آنها فاقد هرگونه مستندات بود، و بعدها در کشتاکن حل مسائل هسته‌ای ایران بخشی از آنها به عنوان «مطالعات ادعایی» (Alleged Studies) از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مطرح شد، تصویر مبهمی را از فعالیت‌های علمی و پژوهشی محققان ایرانی در این حوزه ارائه کرد که فرسنگ‌ها با واقعیت فاصله داشت.

عراقچی درباره سیاست انحصارطلبانه دلسر کار فناوری هسته‌ای گفت: همزمان، یکی سیاست انقباضی و سایرین برای برابری نوع درخواستی اتخاذ گردید. در آن مقطع گروه‌های سیاسی برای مسائل مختلف و برحانه‌های متوعی که در زمینه روزگار ما با آن روبرو شد، نیز مزید بر علت شده و دنیای آن را فراهم ساخت که دولتی‌های غربی به استناد همان دسترس‌های اطلاعاتی و امنیتی خود که به شدت زیر سوال بودند و بر اساس مستندات غیرعقل و ادعایی بچرخاند پرونده فعالیت‌های برنامه‌های سازمان انرژی اتمی ایران را مورد

معاون سیاسی وزارت خارجه به پایبندی مستعمر ایران به همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اشاره کرد و نوشت: به رغم جو شائش و پروپاگاندای سیاسی عناصر وابسته به سرویس‌های امنیتی غربی و اسرائیلی یعنی سازمان مجاهدین خلق (MJO) که در ایران به عنوان «مقاومین» و «پادوهای حمله شناخته می‌شوند، ایران هرگز همکاری و گفتگو با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را قطع نکرد و هیچگاه در تموین گزارش‌ها و ارائه عملکردها کوچکترین لاری وارد نیامد.

عراقچی گفت: تهران به عنوان یک کشور مسئولیت‌پذیر و پاسخگو در مقابل جامعه جهانی به همه الهامات و اطلاعات نادرست در رابطه با پرونده فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز خود

معاون سیاسی وزیر امور خارجه تاکید کرد: به برنامه هسته‌ای صلح آمیز خود، طبق ضوابط و قواعد تعیین شده و توافق شده با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری خواهد داد و هر زمان که متافع ما در توافق برجام منتهی شود، آماده بازگشت به تمامی تعهدات برجامی خود هستیم.

سیاس عسای عراقچی دروازه‌دانی کرد و به شمارة تخصصی نشریه یو‌اِپِیکِا پرسلگ، کارها لهانست با مناسبت پنجمین سالگرد توافق برجام با موضوع ژئوپلیتیک و فرهنگ ایران منتشر شد، درباره اهداف ایران از پیگیری برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای نوشت: آنچه که برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران خوانده می‌شود بخشی از برنامه‌ریزی گسترده و تعریف شده ایران طی ۴۰ سال اخیر و پس از تأسیس سازمان انرژی اتمی کشور در مسیر بهربرداری از دانش هسته‌ای برای رفع نیازهای توسعه‌ای ایران چه در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تا چه در سال‌های پس از آن بوده است.

معاون سیاسی وزارت امور خارجه تصریح کرد: برنامه سازمان انرژی اتمی ایران برای استفاده از دانش اتمی و فعالیت‌های صلح‌آمیز قبل از انقلاب و در مشارکت با بسیاری از کشورهای دیگر شکل و سامان گرفت. حتی در سال‌های پس از انقلاب ۱۳۵۷، راکتور تحقیقاتی دانشگاه تهران که تحت لیسانس ایران متعلق آمریکا فعالیت می‌کرد، سوخت

ورد نیاز خود را با هماهنگی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و از طریق شرکت‌های دیگر از کشورهای جهان همچون آژانتین تأمین می‌کرد.

عراقچی درباره تأثیر همکاری نکردن طرف‌های غربی با ایران برای روند احیای صنعت هسته‌ای توسط جمهوری اسلامی نوشت: علم پایبندی به تعهدات از سوی طرف‌های ایران در سازمانها و کشورهای مختلف بیش از گذشته این کشور را نزد ایرانیان پرتایگر و توسعه‌دهنده باور گرفته و تصور از پیشرفت و نوگریم در ایران منظور نظر قدرتهای بزرگ و کشورهای صاحب زای و تو در شورای امنیت سازمان ملل است. به همان میزان که این فاصله عمیق‌تر می‌شد،

دیدار سفیران جدید پر تغال و اسپانیا در تهران باد کتر ظرف

بقیه از صفحه ۲

محمد جواد ظریف در صفحه اینستاگرامش نوشت:

دوستان سلام

با یکی از سولالاتی که ذهن سیاستمداران، متفکرین و مردم سراسر جهان را به خود مشغول کرده، سمت و سوی تحولات جهانی است. دنیا به چه ستمی می‌رود؟ حدود ۳۰ سال پیش نظام دولتی که چندین دهه در جهان حاکم بود، فروپاشید و دوران گذار آغاز شد. تلاش‌ها و رقابت‌های شدید برای شکل دادن به نظم جدید هنوز هم ادامه دارد و با ویروس کرونا روندهای قبلی شدت بیشتری یافته است.

رقابت‌ها فقط در حوزه عملیاتی و نظامی نیست بلکه حتی تصویرسازی‌های رقیب از نظم جهانی و تلاش برای شکل‌دهی مفهومی به واقعیت‌ها و جهان آینده به شدت در جریان است. تنوع روایت‌های رقیب از نظم جهانی که از دوره گذار به پایانیدی به چندقطبی، چندقطبی، بی‌طرفی، بی‌طرفی یا بی قطبی، دولتی جدید پسامریکایی، پساجرمنی و مانند آن تنها تلاشی برای تبیین واقعیت‌ها و پیش‌بینی نظم آینده نیستند، بلکه مهمتر از آن تلاشی برای شکل دادن به این نظم هستند.

در دوران گذار ۴۰ سال گذشته، اشتباهات محاسباتی خسارات فراوانی بر دنیا تحمیل کرد. اگرچه، توهم اینستاگرام نظم نوین جهانی، چندین جنگ و خرابی برای دنیا به همراه داشته و ۷ هزار میلیارد دلار به مردم آمریکا خسارت‌زده است، اما سوء محاسبات دیگران مانند صدام و قذافی و بلوسویچ به نابودی خوششان و فریبشان منجر شده است. در مقابل شناخت طرف‌های متغیرها و فر گشته‌ها باعث افزایش کشتن‌گران هوشمند شده است. ایران در دوران‌های گذار گذشته خسارات فراوانی از فقدان شناخت و تشخیصات متحمل شده و لذا شناخت درست و واقعیت‌نامه تحولات و روندهای دوره گذار کنونی برای ما حیاتی است.

از طرف بحث و گسودن پای گفتگو و مفاهمه، در چندین مطلقاات جهان باشگاه تهران فرصتی فراهم کرده است. با دقت جلسه یک دیدگاه در این زمینه را مطرح کند و بر معرض بحث و نقد قرار دهد. ارائه بحث‌ها فعلا برای مخاطبان بین المللی به زبان انگلیسی است و نخستین جلسه این دو شنبه - امروز از ساعت ۱۷:۳۵ تا ۱۸:۱۵ برگزار می‌شود. از طریق لایو اینستاگرام دانشگاه در خدمت شما خواهیم بود.



۲۵۰ فصلنامه اجتماعی روزنامه اطلاعات

شماره ۶ مرداد ۱۳۹۹ - سال شصت و پنجم - شماره ۶۷۶۱۵

ننگ بیسوادی

غیر از مردم لاابالی و بی مبالات، هیچ کس نیست که پیش از خروج از خانه و قدم نهادن در کوچه لااقل روزی یکبار خود را در آینه نیند و وضع سر و لباس و کفش و کلاه خود را تحت مراقبت نیاورد و نواقص و معایب و بی نظمی ها و آشفتگی های هیأت ظاهر خویش را به شکلی ترمیم و اصلاح ننماید. چرا؟

برای آن که انسان، ذاتا خودخواه است و خود را از هیچ کس کمتر و پست تر نمی شمارد و بر او بسی ناگوار است که با هیأت و اندامی ناساز و شکل و ریختی منکر در مقابل دیگران جلوه کند و دیگران در ظاهر او عیب و نقصی قابل سرزنش و خرده گیری ببینند و بر او بخندند.

این توجه و دقت در رفع عیوب ظاهری به هر نظر که تعبیر شود به شرط آن که به حد خود آرای و ظاهر سازی نرسد، ممدوح است، چه برای مرد دردی بدتر از آن نیست که مورد عیب جویی هر کس و ناکس قرار گیرد و به علت عیبی که رفع آن بسیار آسان بوده، انگشت نمای این و آن واقع شود.

اما تعجب در این جاست که غالب همین مردم که برای رفع عیب جویی دیگران، در حفظ ظاهر گاهی از حد اعتدال نیز قدم فراتر می گذارند، هر روز در گفته و نوشته خود، مرتکب هزار غلط انشایی و املائی می شوند و متوجه نیستند که به علت تقریر و تحریر نادرست و بی اندام، تا چه حد مورد طعنه و مضحکه خاص و عامند و چون تأثر و تألمی هم از این بابت ندارند به هیچ وجه در صدد رفع این عیب بزرگ نیز بر نمی آیند.

عباس اقبال آشتیانی

باسواد کسی نیست که مدرک دارد



زیرگذر اینترنت

جنگ «هکسره»

تعریف کرده: «لحظاتی پیش پسر جوانی در اتوبوس، ایستگاه «پله اول» را خواند «پُل اول» و من فهمیدم که ما در جنگ هکسره شکست خوردیم. من سلاحم را زمین می‌گذارم رفقا.»

گاهی ادعای باسواد بودن برخی افراد، به تعبیر و تفسیرهای عجیب و غریبی از سوی آن‌ها منجر می‌شود که داد دیگران را درمی‌آورد.

«امیر خادم» (که اسمش با آن قهرمان کشتی سال‌های نه‌چندان دور تشابه دارد) به نکته‌ای در این زمینه اشاره کرده: «یکی از عجیب‌ترین مشکلات شاهنامه خواندن در دوره معاصر این است که چون این کتاب جایگاه ملی خاصی دارد که هیچ اثر دیگری ندارد، خیلی از خوانندگان آن (حتی آدم‌های واقعا باسواد) اصرار دارند ارزش‌های مدرن خودشان را به زور به اثر قالب کنند.

مثلا چندروز پیش یک متن مطمئن دیدم که نوشته بود شاهنامه، نمونه خوبی از رواداری دینی در ایران است و این کتاب نشانه‌ای از توهین به ادیان و اعتقادات دیگران ندارد. یعنی چون پلورالیسم دینی امروزه ارزش است،

حتما فردوسی هم باید رعایش می‌کرده و گر نه واویلا می‌شود، ولی با ندیدن یا خودشان را می‌زند به ندیدن این که انوشیروان دادگر با همه قشنگی‌اش می‌زند و پسر مسیحی خودش را می‌کشد و خسرو پرویز به‌خاطر همدستی موقت با مسیحیان از لشکر خودش متک می‌شوند. بماند که اسفندیار نازنین به زور شمشیر سرتاسر کشور



سوفی، طاعون (و دیگر آثار کامو)، قلعه حیوانات و امثالهم تشکیل می‌دهد.

«منتظر» معتقد است: «بدبختی مردم ما از آن جایی شروع شد که باسواد بودن در خواندن و نوشتن و داشتن مدرک تحصیلی خلاصه شد.»

«سیامک قاسمی» هم گفته: «من به تعداد زیاد دکتر و مهندس و دارای مدرک با

سواد پیچست؟ کاربری با نام مستعار «ژالان» در تعریف آن نوشته: «آخرین تعریف یونسکو از باسوادی به طرز غافلگیر کننده‌ای، هیچ ربطی به توانایی خواندن و نوشتن یا تسلط به چند زبان و حتی توانایی استفاده از کامپیوتر ندارد. درواقع باسواد کسی است که بتواند با تکیه بر خوانده‌ها و آموخته‌هایش، تغییری در زندگی خود ایجاد کند؛ تعریفی به‌ظاهر ساده اما در عمل پیچیده.»

برخی کاربران هم درباره این که «چه چیزی سواد نیست» نظر داده‌اند. «خاتون» نوشته: «بعضی از کسانی که زیاد کتاب می‌خوانند، چهارتا فیلم دیده‌اند و موسیقی دامپولی گوش نمی‌دهند، فکر می‌کنند اگر با همه چیز مخالفت کنند و کلافاز هیچ کس هیچ چیز نمی‌فهمد بردارند، خیلی منورال فکر و باسواد به‌نظر می‌آیند!»

«محمدطه محمودی» گفته: «عموم کسانی که صرف خواندن کتاب را در ترداد با آگاهی و باسواد بودن می‌دانند، دچار خودانانپنداری مزمن هستند و غالب کتاب‌های کتابخانه‌شان را کُتبِ چون بیشعوری، دنیای

تخصصیات عالی می‌شناسم که وقتی پایشان را از حوزه تخصصیشان بیرون می‌گذارند، بوی تعفن عقب‌ماندگی آن‌ها عجیب توی ذوق می‌زند. تحصیل فقط احتمال شعور را افزایش می‌دهد و گر نه تا دلتان بخواهد باشعور کم‌سواد و بی‌شعور باسواد در اطرافمان هست!»

«سالی» به نکته جالبی اشاره کرده: «در همه چیز، وجود ناقص از عدم محض بهتر است، جز علم و دانش! مثلا سلامتی یا مال و ثروت؛ انسان هر مقداری داشته باشد از آن که هیچ نداشته باشد بهتر است ولی علم و دانش این گونه نیست. انسان کم‌سواد از بی‌سواد بدتر است، چون خیال می‌کند خیلی باسواد است و هیچ‌گاه دنبال تکمیل آن نمی‌رود.»

«تهمینه» پرسیده: «به‌جز قشر باسواد و آگاه که در اقلیت است و شامل برخی جوانان است دوست دارم بدانم نسل جوانی که این روزها از آن با افتخار یاد می‌کنید، دقیقا در طول روز چندصفحه مطالعه مفید دارد؟ این نسل جوان که به خودش مغرور است، حتی ساده‌ترین متون را هم با ده‌ها غلط املائی می‌نویسد!»

یک نکته املائی که به‌نظر می‌رسد نسل‌های جدید واقعا آن را بلد نیستند، رعایت «هکسره» است، مثلا به‌جای «مرد باسواد» می‌نویسند «مرد باسواد»! معلوم نیست نظام آموزشی ما در این چندسال اخیر چه کار کرده که به چنین توفیقی در سطح گسترده دست یافته است!

یکی از بدترین نمونه‌های این نوع غلط املائی را «حسین‌وی» یک نکتۀ املائی که به‌نظر می‌رسد نسل‌های جدید واقعا آن را بلد نیستند، رعایت «هکسره» است، مثلا به‌جای «مرد باسواد» می‌نویسند «مرد باسواد»! معلوم نیست نظام آموزشی ما در این چندسال اخیر چه کار کرده که به چنین توفیقی در سطح گسترده دست یافته است!

یکی از بدترین نمونه‌های این نوع غلط املائی را «حسین‌وی» یک نکتۀ املائی که به‌نظر می‌رسد نسل‌های جدید واقعا آن را بلد نیستند، رعایت «هکسره» است، مثلا به‌جای «مرد باسواد» می‌نویسند «مرد باسواد»! معلوم نیست نظام آموزشی ما در این چندسال اخیر چه کار کرده که به چنین توفیقی در سطح گسترده دست یافته است!

یکی از بدترین نمونه‌های این نوع غلط املائی را «حسین‌وی» یک نکتۀ املائی که به‌نظر می‌رسد نسل‌های جدید واقعا آن را بلد نیستند، رعایت «هکسره» است، مثلا به‌جای «مرد باسواد» می‌نویسند «مرد باسواد»! معلوم نیست نظام آموزشی ما در این چندسال اخیر چه کار کرده که به چنین توفیقی در سطح گسترده دست یافته است!

را زرتشتی می‌کند. خلاصه که رواداری دینی کجا بود اخوی؟! «زنده» یادآوری کرده: «هیچ لذتی بالاتر از صحبت کردن با یک آدم باسواد و دنیا دیده نیست.»

برخی کاربران به معرفی افراد توانا و باسوادی که می‌شناسند پرداخته‌اند. «دختر لر» نوشته: «زمانی که در اروپا زنان حق رأی نداشتند و در بسیاری از کشورها از جمله فرانسه طبق قانون شوالیه‌گری، دارایی زنان پس از ازدواج از آن شوهران می‌شد، زنی از ایل بختیاری دم از حقوق زنان می‌زد و از لزوم مکتب‌رفتن و باسواد شدن زنان می‌گفت؛ زنی که به پاس فعالیت‌ها و رشادت‌هایش در جنگ جهانی اول، بالاترین نشان سلطنتی آلمان را از ویلهلم دوم، امپراتور آلمان دریافت کرد، کسی که در طول حیاتش همواره برای برابری حقوق زن و مرد تلاش کرد و تنها زنی است که در انقلاب مشروطه پیشرو و پیشگام بود تا آن‌جا که به وی لقب سردار داده شد! سردار بی‌بی مریم بختیاری.»

متأسفانه امروز قدر بسیاری از افراد باسواد و توانای کشورمان را نمی‌دانیم. «عبدالحمید شبیری»، وکیل پایه یک دادگستری، نوشته: «وزارت خارجه اعلام کرد حدود شش میلیون ایرانی خارج از کشور زندگی می‌کنند که اغلب تحصیلات یا ثروت عالی دارند. نکته جالب اینجاست که دانمارک، سنگاپور، فنلاند و نروژ همین قدر جمعیت دارند، یعنی یک کشور باسواد، صاحب مهارت و ثروتمند را صادر کرده‌ایم!»

چرا در دانشگاه تحصیل می‌کنید؟

معظلی به نام مدرک گ

شماره تماس: ۱۲۶۵۶۴-۵۶۸۴۵/۵۶۴۳
 ۴۳۲۸-(۵۶۳۸۴۷۳۸۴)
 ۶۵۹۳۴-۵۴۹۸۷/۵۴۹۸۶

بازار آزاد به تیم امیدرفت

وینگو باید هاشیه‌ها را جمع کند

گفتیم حالا که به دیگران جواددوز زدیم، یک سوزن هم به خودمان (درواقع به همکاران مطبوعاتیتمان در روزنامه‌های دیگر) بزنیم!

میدان مشق

موزه لووووو



• ارمان زمان فشمی

اول خیال کردم اشتباه می‌شوم اما چندبار تکرار کرد: «عضو عدل بدل شورای شهر!» یعنی مسئولی که در یک کنفرانس خبری سخن می‌گفت، تلفظ درست «علی‌الدیل» را نمی‌دانست! پیش از آن که از این بی‌سوادی عجیب شاخ دریاورم، به یاد آمد که همین دوسه سال پیش بود که نماینده اصولگرایی مجلس‌مان که پزشک و عضو گروه دوستی پارلمانی ایران و فرانسه هم بود، در مقابل دوربین‌ها نتوانست نام موزه «لوور» را به‌درستی ادا کند و طی تلاشی مذبحانه سعی داشت با تلفظ‌های متفاوتی که یکی از یکی غلط‌تر بود اشتباهش را اصلاح کند.

بعد فهرستی از اشتباهات لپی و دولبی مشابه را به‌خاطر آوردم که از دیگران دیده و شنیده بودم: «از دستش به سطوح آدم»، «لال‌الخصوص»، «حذقل این یکی را درست انجام بده» و ده‌ها غلط املائی و انشایی دیگر که روزانه با آن‌ها مواجهیم!

ندانستن عیب نیست، همه ما ممکن است گاهی واژه‌ای را از ابتدا به‌شکل نادرست آموخته باشیم یا چون نخستین بار آن را در کتاب‌ها دیده و تلفظش را نشنیده‌ایم، سال‌ها اشتباه تلفظش کرده باشیم و ملکه ذهنمان شده باشد یا غفلتا واژه یا جمله اشتباهی را به‌کار ببریم اما این که تعداد اشتباهاتمان فراوان و دلیلش بی‌توجهی به آموزش درست و ادعا و جایگاه و حقوقمان بیشتر از سوادمان باشد، قابل قبول نیست.

وقتی مدرک مانند سیب زمینی خریدوفروش می‌شود و برخی افراد به لطف مدارک جعلی یا خریداری شده، در جایگاهی که شایستگی‌اش را ندارند قرار می‌گیرند، عجیب نیست که برخی مسئولانمان حتی نتوانند از پس بیان جملات ساده انگلیسی در مجامع بین‌المللی بیاورند و آبروی مملکت را حفظ کنند.

اگر به مقاطع تحصیلی پایین‌تر دقت کنیم و وضعیت نظام آموزشی را زیر نظر بگیریم، شاید بهتر متوجه شویم چنین فجایی از کجا سرچشمه می‌گیرند. آب از سرچشمه گل آلود و خانه از پای‌بست ویران است!

در بسیاری موارد، آموزش‌ها سطحی و محدود به حفظیات شده است و از محتوا و عمق آموزش غافل مانده‌ایم. نمی‌توانیم با قاطعیت بگوییم معلومات عمومی و سطح سواد دانش‌آموزان فعلی کمتر از گذشته است اما زیاد شنیده‌ایم که «دیپلمه قدیم اندازه دکتر الان سواد داشت» و زیاد دیده‌ایم که نوجوانان و جوانان امروزی، غلط‌های املائی و انشایی بیشتری نسبت به پدران و مادرانشان دارند و برایشان مهم هم نیست و حتی اگر به آن‌ها تذکر بدهید جدی نمی‌گیرند و می‌گویند گیریم که املا و انشا هم ۲۰ شدیم، بعدش که چه؟! شاید تاحدودی حق داشته باشند، زیرا درنهایت کارهای بزرگ به‌دست کسانی می‌افتد که با اشتباهات محاسباتی و اجرای پروژه‌های نادرست و کارشناسی نشده، خرج روی دست ملت و دولت می‌گذارند و کاری هم از پیش نمی‌برند. دکترها و مهندس‌ها هم باید بروند پشت فرمان تاکسی‌های اینترنتی بنشینند یا کارگری کنند که در عین شرافتمند بودن این مشاغل، به‌معنای نابودی هزینه‌ای است که صرف تحصیل آن‌ها شده و بازدهی نداشته است.

شاید آن روز که مشاور اسکندر مقدونی برای تسلط بر ایرانیان به او توصیه کرد کارهای کوچک را به بزرگان و کارهای بزرگ را به افراد کوچک بسپارد، منظورش از «کوچک» و «بزرگ»، همان «بی‌سواد» و «باسواد» بود.

ضمیمه جامعه روزنامه اطلاعات هر دوشنبه منتشر می‌شود.
 از مطالب، پیشنهادها و انتقادات شما استقبال می‌کنیم.
 Email:jameettelaat@gmail.com
 تلفن: ۲۹۹۹۳۲۱۰

همه کاره هیچ کاره



● مرضیه سلیمانی

اولش یک جوان صاف و ساده شهرستانی بود با قد متوسط و هیکل توپُر، با صورت گرد و چشم‌های کوچک. لباس‌های معمولی می‌پوشید و رفتارش کمی شرمگین بود. از دور که آدم را می‌دید، خودش را آماده می‌کرد که سلام کند، بعد هم فوری سرش را پایین می‌انداخت و به کنش‌هایش زل می‌زد. هیچ‌یک از اهل محل، نه خودش را می‌شناختند، نه کس و کارش را. فقط یک‌روز، بعد از این که مغازه متروک پایین خانه‌مان نونوار شد، مردم او را دیدند که به رُفت و روب مغازه مشغول است.

آن روز صبح، همسرم با بی‌میلی لیست خریدی را که شب قبل به در یخچال چسبانده بودم، برداشت و از خانه بیرون رفت. اما وقتی برگشت، خوشحال و سرکیف بود و گفت بالاخره مغازه خالی را راه انداخته‌اند. فکر می‌کرد سوپرمارکتی، چیزی باشد و دیگر لازم نیست زحمت خرید را بکشد. دوقدم است انگار. سفارش بدهد و آن‌ها هم صاف بگذارند دم در؛ می‌توانیم یک حساب دفتری هم باز کنیم. روزهایی که دست و بالمان خالی است، با خیال راحت خرید می‌کنیم و آخر ماه که حقوقمان را واریز کردند، با آن‌ها تسویه خواهیم کرد. اما چند روز بعد، وقتی تابلوی سردر مغازه را دید که رویش نوشته بود «کابینت‌سازی دوبرار» انگار همه نقشه‌هایش به‌باد رفت و امیدهایش نقش بر آب شد. چندروزی بی آن‌که غر بزند، در سکوت مطلق خریدهای خانه را انجام می‌داد.

برادران کابینت‌ساز کمتر در مغازه حضور داشتند. بیشتر وقتشان در کارگاه می‌گذشت. «ممد» هم شاگرد مغازه بود اما کار زیادی نمی‌کرد. صبح‌ها کرکره را بالا می‌زد و آب و جارویی می‌کرد. روی کابینت‌ها و کمد‌ها و دکورهای آشپزخانه دستمال می‌کشید و اگر کسی برای سفارش می‌آمد، تلفنش را می‌گرفت تا برادران کابینت‌ساز با او تماس بگیرند. شب‌ها هم همان‌جا می‌خوابید. ما و بقیه همسایه‌ها گاهی غذایی برایش می‌بردیم.

چندوقتی به همین منوال گذشت. یکی‌دو نفر از همسایه‌ها کابینت‌های قدیمیشان را عوض کردند اما چون بیش‌تر خانه‌ها تازه‌ساز بودند، کار و کاسبی دوبرار پایدار نشد. این بود که بعد از یک‌سال، دیگر قرارداد اجاره‌شان را تمدید نکردند و از آن‌جا رفتند. مغازه خالی هم ظرف دو هفته اجاره رفت؛ انگار بختش باز شده بود.

اما نکته جالب داستان این بود که ممد هم به جزء متحرکی از مغازه تبدیل شده بود، یعنی مغازه را به‌انضمام ممد اجاره کردند. و این‌بار، تحرک ممد بیشتر شده بود، چون مغازه را جوانی گلپایگانی اجاره کرده و انواع و اقسام لبنیات و محصولات و مأكولات محلی را در آن‌جا می‌فروخت. اسمش را هم گذاشته بود «لبنیات اصل گلپایگان».

اتوبوس‌های مسافربری، هر روز صبح زود، بعد از پیاده کردن مسافرایشان، خامه و سرشیر محلی می‌آوردند و ممد تند و تند آن‌ها را به مغازه منتقل می‌کرد. وسط روز هم ماشین ماست‌بندی از راه می‌رسید و بدیه‌های ماست را قطارقطار کنار پیاده‌رو می‌چید تا ممد آن‌ها را در یخچال بزرگ مغازه جا دهد. خود ما هم مشتری مغازه بودیم. همسرم گاه‌گداری که امید -صاحب مغازه و صاحب کار ممد- برای سرکشی به آن‌جا می‌آمد، با او گپ و گفت می‌کرد. خلاصه کار و بار لبنیاتی حسابی سکه بود و ممد هم سری بین سرها درآورده بود. حالا دیگر همه اهل محل او را می‌شناختند و ممد آقا صدایش می‌کردند.

اما بخت امید سیاه شد. شاید هم بی‌احتیاطی و کم‌عقلی خودش بود. چون یک روز دل‌انگیز بهاری، چندنفر به اتفاق یک مأمور آمدند و او را به اتهام صدور چک‌های بی‌محل بُردند. ممد چندگاهی به فروش لبنیات ادامه داد تا این‌که یکی از عموزاده‌های امید آمد، کل مغازه را بار یک نیشان کرد و رفت. طی این مدت، گویا ممد پول و پله‌ای پس‌انداز کرده بود، چون دیگر معطل مستأجر بعدی نماند و یک پیکان وانت خسته و رنگ ورورفته خرید. می‌خواست با وانتش کار کند و بار مردم و کسبه را این‌ور و آن‌ور ببرد. چندباری هم همسایه‌های بلوک ما برای نقل و انتقال وسایلشان صدایش کردند و پول خوبی هم به او دادند.

البته تغییراتی هم رخ داد. ممد که همیشه یک گوشی موبایل دستش بود و با آن ور می‌رفت، کم‌کم خجالتش هم ریخت. برای سلام کردن شبایی از خود نشان نمی‌داد. در همین حیص و بیص، مغازه دوباره اجاره رفت و این‌بار زن و شوهر جوان و خوش‌تیپی که از قضا زرتشتی هم بودند، تصمیم گرفتند مغازه را به ساندویچی تبدیل کنند. برای مغازه دودکش و هواکش گذاشتند. اجاق گاز و هود عظیم‌الجثه‌ای نصب کردند. کارت و تراکت چاپ کردند. سردر مغازه را ریسمان بستند و چراغانی کردند و در روز افتتاحیه، کلی غذای خوشمزه مجانی به مردم دادند. اسم مغازه را هم گذاشتند «پارسوماش».

غذاهای پارسوماش بد نبود و از آن‌جایی که زن و شوهر صاحب مغازه، آبادانی بودند مهارت اصلیشان فلافل و سوسیس بندری بود. در این کار خبره بودند و خیلی زود در دل و جان اهل محل، به‌خصوص جوان‌ها، جا باز کردند. نشان به آن نشان که همسر و دختر من هم به مشتری آن‌ها تبدیل شدند.

در این محبوبیت و معروفیت، البته ممد هم بی‌تأثیر نبود، چون پارسوماشی‌ها یک موتور به او دادند و او به‌عنوان پیک در مغازه مشغول به کار شد و غذاهای سفارشی را به درب خانه مشتری‌ها می‌برد. باقی وقتش هم با همدمش موبایل که حالا یک آیفون بدقواره بود، سر و کله می‌زد.



عکس: امین جلالی / ایرنا - عکس تزئینی است

یک‌روز نگرانی‌ام را با همسرم در میان گذاشتم. گفتم ۱۲۵ هزار تومان اختلاف حساب داشته. شاید مقصر نیست، چون سواد درست و حسابی ندارد. همسرم گفت: پس چرا هیچ‌وقت کم نمی‌گیری؟!

به این نتیجه رسیدیم که بهتر است در آرامش و احترام حسابمان را از او جدا کنیم و برای خرید جای دیگری برویم. مثلاً به سوپرمارکت سجاد و مرتضی که از خانه ما کمی دور بود اما هزار و یک حسن داشت. همسرم هم با من هم‌عقیده بود. پس دفتر مخارجمان را برداشتیم و به قصد تسویه حساب راه افتادیم.

پایمان را که به خیابان گذاشتیم، با صحنه عجیبی روبه‌رو شدیم. کل پیاده‌رو را میز و صندلی چیده بودند و به مردم تی‌تاپ و ساندیس می‌دادند. بوی اسپند می‌آمد و جلوی مغازه ریشه‌ها و نوارهای زرق و برق‌دار آویزان بود.

ممد درحالی که ناف و برخی موارد دیگرش از تی‌شرت کوتاهش بیرون زده بود و یکی از پاجمه‌های شلوارش را بالا داده بود، تلاش می‌کرد کتانی‌های سرخابی رنگی را به‌پا کند. تا آمدیم حرفمان را بزنیم، کارت و تراکتی به دستمان داد.

من فوری مشغول خواندن شدم. بعد با دهان باز آن را به دست همسرم دادم. نوشته بود: «افتتاحیه سوپرمارکت سورنا با مدیریت ممد و اسی‌آسان. فوق‌لیسانس حسابداری. مشاور در خرید و فروش اتومبیل. متخصص در انتخاب و تجویز انواع داروها و مکمل‌های ورزشی با بیش از پانزده سال سابقه».

بدون این‌که حرفی بزنیم، راهمان را کج کردیم و به طرف سوپرمارکت سجاد و مرتضی راه افتادیم.

چندوقتی به این منوال گذشت. وانت ممد، بی‌کار کنار خیابان افتاده بود و خودش با موتور این‌ور و آن‌ور می‌رفت. همه محل می‌دانستند که من مربی بدنسازی هستم. یک‌روز که به‌اتفاق دخترم برای سفارش پیتزا به پارسوماش رفته بودیم، ممد جلو آمد و درباره خوش‌تیپ شدن سؤالات عجیبی کرد. من خوشم نیامد اما زود فهمیدم منظورش هیکل و بدنسازی است، یک برنامه ساده تمرینی و چند توصیه تغذیه‌ای نوشتم و به‌دستش دادم. آن‌جا بود که فهمیدم ممد احتمالاً سواد ندارد. بنابراین پیشنهاد دادم به یکی از چند باشگاه محل برود.

دوسه ماه بعد معلوم شد که ممد به‌پیشنهاد من -یا لاقلاً بخشی از آن پیشنهاد- عمل کرده. هیکلش به‌سرعت تغییر می‌کرد اما در جهت معکوس. صورتش چاق شده و غبغب درآورده بود، باسنش پهن مثل خمیر وارفته، پاهایش لاغر مثل خروس لاری. ریش و سبیلش را از ته زده بود، مثل کله‌پاچه. تی‌شرت تنگ و کوتاهی به‌تن داشت که آستینش برای بازوهای کلفت او تنگ بود، شلوارش با فاق بی‌نهایت کوتاه و دم‌پای کشدار.

اول نشناختمش. بعد که سلام و علیک بی‌ریختی کرد، دیدم رفتارش هم عوض شده. نوعی گستاخی در رفتارش بود که خیلی بدم آمد. تا رفتم با پارسوماشی‌ها احوالپرسی کنم دیدم مشغول جمع‌آوری مغازه هستند و وقتی علتش را پرسیدم گفتند خانم دانشگاه علمی کاربردی اهواز در رشته خاک‌شناسی قبول شده و بهانه خوبی به دستشان داده که به زادگاه خود برگردند و با خانواده و اقوام خود زندگی کنند.



• سمیه میرزایی

زمانی بی‌سواد به کسی گفته می‌شد که خواندن و نوشتن نمی‌دانست. با گسترش تکنولوژی‌هایی مانند کامپیوتر، بی‌سواد به کسی اطلاق می‌شد که کار با کامپیوتر و زبان بین‌المللی آن یعنی انگلیسی را نداند، اما امروز باوجود دامنه وسیع اطلاعات در دنیای مجازی و رسانه‌ای به‌نظر می‌رسد تعریف سواد ابعاد تازه‌تری به خود گرفته است. «مهسا شیخان» در مقاله‌ای به‌نام «سواد چیست؟ مقدمه‌ای بر مطالعات انسان‌شناسی سواد»، در تعریف سواد و انواع آن می‌نویسد: سواد یعنی توانایی خواندن و نوشتن. این اولین مفهومی است که با مواجهه با این واژه غالباً به ذهن متبادر می‌شود. این تعریف ظاهراً «معصومانه»، «واضح»، «یعنی» و «علمی» آن چنان در چارچوب فرآیندهای مدرسه‌ای خواندن و نوشتن و در گفتمان رایج نهادی در سرتاسر دنیا درونی شده که به‌شکلی جهان‌شمول و غالباً ناخودآگاه سواد را منحصر به تکالیف و فرآیندهای رسمی مدرسه‌ای قرار داده و انواع دیگر دانش خارج از این چارچوب را که به‌واسطه کنش‌های اجتماعی–تاریخی کسب شده‌اند به‌رسمیت نمی‌شناسد.

مفاهیم و معناهای مختلفی از این‌ واژه متأثر از ارزش‌های فرهنگی، اهداف نهادی آموزشی، هم‌بافت سیاسی ایدئولوژیک، اقتصادی و بالاخص نظریه‌های آموزشی در طول تاریخ شکل گرفته‌اند که این واژه را تبدیل به مفهومی چندوجهی و پویا کرده‌اند.

مفاهیم مرتبط با مقوله سواد، از مفهوم ساده توانایی خواندن و نوشتن آغاز شده و طیف گسترده‌ای از مفاهیم و تعاریف را در طول تاریخ این مفهوم به‌شکل امروزی‌اش شکل داده‌اند؛ از جمله توانایی بر تر شناختی، مهارت ذهنی و آگاهی نقادانه.

این تعاریف که در سال ۲۰۰۶ در گزارش یونسکو منتشر شده‌اند، به‌شکلی نشان‌دهنده پارادیم‌های مختلف نظری است که مفهوم سواد را به شکل‌های گوناگون تبیین کرده و توسعه داده است؛ از جمله پارادیم موقعیت‌مندی سواد، پارادیم سواد انتقادی، سواد چند فرهنگی، سواد چندزبانی، چندسوادی و سواد چندحالتی. سواد بصری و غیره را نیز شامل شده است. به‌نظر می‌رسد که این فهرست نامگذاری پدیده سواد، تمامی نداشته باشد. در اصلاد در افراد و جوامع به دیدگاه‌های عمومی، باسوادی عموماً توانایی خواندن و نوشتن برای شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و کنش‌های اجتماعی است. با این‌که توانایی خواندن و نوشتن در کنار هم معمول‌ترین تعریف سواد را شکل داده است، این تعریف در همین سطح اولیه تعریفی نسبتاً متناخر محسوب می‌شود. چرا که در ابتدایی‌ترین سطح تعریف، برخورداری از سواد برابر بود با توانایی خواندن.

به‌شکل سنتی، خواندن و سبأله شناخت در این فرآیند، مهم‌ترین و اصلی‌ترین زیربناهای مفهوم سواد را شکل می‌دادند. مثلاً توانایی خواندن و نوشتن از روحوانی برچسب اجناس یا روحوانی تابلوها، بیلورها و روزنامه‌ها آغاز شده و نوشتن هم نوشتن نام و نام‌فامیل را توانایی پر کردن فرم‌های مختلفی است که افراد برای زندگی در یک جامعه مدرن عموماً بدان نیازمندند. بدین ترتیب، در تعریفی بسیار ساده و در نگاه عموم مردم، سواد یعنی جمع‌مهارت‌هایی که کارکردهای اجتماعی را ایفا می‌کنند. خواندن هم به توانایی تشخیص و جعبی و کنار هم قرار دادن الفبا و جملات اطلاق می‌شود.

اکتساب مهارت‌های خواندن یا نوشتن و به‌کارگیری آن‌ها در رسانه‌های مختلف به‌شکل امروزی‌اش تقریباً به جزئی جدانشدنی از زندگی روزمره ما تبدیل شده است؛ چنان‌که توانایی خواندن یا نوشتن در بسیاری از

هم‌بافت‌های تصویری و چندحالتی، کارکردها و پیامدهای متفاوتی از آن‌چه که کاربرد اولیه سواد داشته، به‌طور روزمره برابمان در بر دارد.

نگاهی تاریخی به‌توسعه مفاهیم سواد حاکی از آن است که معانی مختلف این مفهوم، متأثر از سیاست‌گذاری‌های کلان دولت‌ها و با هدف تأثیرگذاری در چرخه‌های اقتصادی بوده است. برای مثال، در دهه ۷۰–۶۰ میلادی در آمریکا که سواد، توانایی صرف خواندن و بعد ریاضی و درنهایت نوشتن معنا می‌داد، مهارتی بود جهت تولید نیروی کار ماهرتر و به‌کار انداختن چرخه‌های اقتصادی؛ پارادایم سواد به‌مثابه «مهارت‌های خواندن و نوشتن»، «مهارت ذهنی»، «تماد پیشرفت و تمدن» و «سواد به مثابه مظهر عقلانیت» که بعدها توسط انسان‌شناسان به‌درستی به چالش کشیده می‌شود.

در رویکردی تاریخی به شکل‌گیری فعالیت‌های سواد جوامع اولیه انسانی و چگونگی شکل‌گیری خواندن و سواد شفاهی و تبدیل تدریجی آن به نوشتن به‌عنوان معیار اصلی تمایز میان جوامع ابتدایی و جوامع مدرن مورد بررسی بودند. «لنکشیر» معتقد است که این نوع مطالعات از ویژگی‌های خاصی برخوردارند، چرا که به‌دنبال یافتن سیر تاریخی شکل‌گیری سواد در میان جوامع مختلف و تحول آن در طول زمان و تأثیرات و توزیع پویای سواد در میان جوامع مختلف انسانی هستند.

سواد شش‌گانه

دکتر اعظم آهنگر سله‌بنی، دارای دکترای جامعه‌شناسی و عضو پژوهشی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران است. او در گفتگو با ما پیرامون جامعه‌شناسی سواد می‌گوید: در قرن‌های گذشته اگر کسی سواد خواندن و نوشتن داشت، باسواد محسوب می‌شد. افرادی هم بودند که سواد خواندن داشتند ولی سواد نوشتن نداشتند که این افراد را عموماً افراد مسن جامعه تشکیل می‌دهند و آنان را کم‌سواد می‌نامیم، اما در قرن حاضر تعریف سواد تغییر یافته است. شاخص‌هایی در تعریف سازمان علمی – آموزشی ملل متحد (یونسکو) در نظر گرفته شده که داشتن آن‌ها برای باسواد اطلاق شدن الزامی است، مانند این که افراد علاوه بر خواندن و نوشتن باید زبان دومی به‌غیر از زبان مادری را بلد باشند، ضمن آن‌که از سواد عاطفی، مالی، تربیتی، رسانه‌ای، رایانه‌ای و ارتباطی هم بهره‌مند باشند.

ما در دنیایسوی زندگی می‌کنیم که با توجه به شغل و سبک زندگیمان نیاز به آموزش انواعی از سواد داریم که طبق تعریف یونسکو، شش مورد گفته‌شده‌اند مهم‌ترین آن‌هاست. البته همین شش مورد هم در برهه‌ای و در بعضی موارد برای برخی افراد کارآیی ندارند، مثلاً سواد تربیتی برای کسی که تجرد قطعی را به‌عنوان سبک زندگی خود پذیرفته، لازم نیست.

این استاد دانشگاه در تعریف انواع سواد شش‌گانه که یونسکو دانستن آن‌ها را الزامی می‌داند، ادامه می‌دهد: «سواد عاطفی» عبارت است از توانایی برقراری رابطه عاطفی درست و به‌هنگار بدون سوءاستفاده. «سواد ارتباطی» را توانایی ارتباط، مذاکره کردن، مدیریت و روابط اجتماعی و آداب معاشرت درست معنا می‌کنند. «سواد مالی» به‌معنای دانستن چگونگی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری یا به‌عبارتی همان عقل معاش خودمان است. «سواد رسانه‌ای» از ضروریات دنیای امروز و به‌معنی تشخیص منابع معتبر خبری از نامعتبر و مدیریت استفاده از فضای مجازی است که متأسفانه جامعه ما از سطح پایینی از این نوع سواد برخوردار است.

«سواد تربیتی» یعنی توانایی تربیت درست فرزند و «سواد رایانه‌ای»، تسلط به سیستم‌عامل ویندوز معنی شده است که البته به‌نظر می‌رسد با توجه به ورود سیستم‌عامل‌های جدید و تغییرات فرآینده پیشرفت علم در

گفتگو با دکتر اعظم آهنگر سله‌بنی، عضو مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران

باسواد لزوماً کسی نیست که مدرک تحصیلی دارد



حوزه تکنولوژی ارتباطی، سازمان جهانی یونسکو با توجه به این‌که هنوز در دهه سوم قرن حاضر هستیم و به واسطه آن هم نرسیده‌ایم، تعریف جدیدتری از سواد ارائه دهد. در کنار این شش مورد از سواد اطلاعاتی، سلامتی، بوم‌شناختی و انواع دیگری از سواد صحبت می‌شود که البته باید گفت در هر رشته‌ای می‌توان از سواد آن رشته صحبت کرد و کسی که اصول آن رشته را بلد باشد می‌توانیم بگوییم در آن حوزه «باسود» است.

مدرک به‌مثابه سواد

از دکتر آهنگر می‌پرسم این فرض که مدرک را از مصادیق توجه کنی به سواد بدانیم، چقدر صحت دارد و آیا می‌توان افراد را به صرف داشتن مدارک بالاتر، باسوادتر دانست؟ وی در پاسخ می‌گوید: مدرک تحصیلی در واقع سواد دارند آن را در شاخه‌ای تخصصی از یک رشته خاص نشان می‌دهد، مثلاً کسی که پزشکی یا دکتر است لزوماً همه انواع سواد گفته‌شده را ممکن است نداشته باشد. سواد را وقتی براساس تعریف یونسکو یا نیاز آدم‌ها مطرح می‌کنیم، فرد باسواد لزوماً فردی نیست که مدرک تحصیلی دارد. افراد در کاری که انجام می‌دهند، نیاز به مطالعه و تخصص دارند تا در آن حوزه باسواد شوند، ولی هستند افرادی که از حوزه‌های تخصصی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، چند جلمه‌تواندو به‌همین دلیل اصلاً سراغ دانشگاه نمی‌روند. افراد زیادی را می‌شناسم که با علاقه وارد دانشگاه شده‌اند اما دیده‌اند که در زمینه مورد علاقه‌شان از دانشگاه

دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۹۹-سال نود و پنجم-شماره ۲۷۶۱۵

گفتگو با دکتر اعظم آهنگر سله‌بنی، عضو مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران

سواد افراد نیست اما وقتی هم‌زمان با درس، دانشجو با سختی تمام و در کمال مسئولیت‌پذیری کار مرتبط هم انجام می‌دهد، مدرک او نشان‌دهنده سواد اوست. ایراد کار این‌جاست که بچه‌های ما بدون علاقه و مطالعه لازم فقط رشته‌ای را انتخاب می‌کنند و بعد در آن مدرک می‌گیرند بدون آن که سوادش را آموخته باشند. البته همین‌جا باید اضافه کنم که هر نوع فسادی روی انگیزه آدم‌ها در دستکار بودن تأثیرگذار است. وقتی جوان می‌بیند که فردی با مدرک جملی، پست بالای سازمانی دارد یا فردی که اصلاً خود او پایان‌نامه‌اش را نوشته، به‌جایی رسیده ولی او هنوز برای دیگران پایان‌نامه می‌نویسد، دیگر انگیزه‌های برای ادامه کار برایش باقی نمی‌ماند. فردی که در دانشگاه تهران فوق‌لیسانس گرفته و بسیار بااستعداد و باسواد است هنوز برای دیگران پایان‌نامه می‌نویسد و همین افرادی که برایشان پایان‌نامه نوشته، حالا در پست‌های بسیار بالای مملکتی هستند، چون به‌سرعت برق و باد با پول و رانت همه‌چیز را خریده و به دست آورده‌اند. همان‌طور که فساد در حوزه اقتصاد باعث می‌شود آدم‌ها از فکر کار کردن بیرون بیایند و به فکر کلاهبرداری باشند، فساد در حوزه مدرک تحصیلی هم باعث می‌شود افراد انگیزه یادگیری را از دست بدهند و به فکر رابطه باشند. فساد در هر زمینه‌ای انگیزه‌های درست را نابود می‌کند.

آدم‌های همه‌چیزدان

چرا ما ایرانی‌ها تمایل داریم که در همه حوزه‌ها اظهارنظر کنیم؟ دکتر آهنگر در پاسخ می‌گوید: واقعیت این است که در کشور، همه مسائل را با رویکرد خیلی تخصصی نمی‌توان توضیح داد و برای آن‌ها جواب پیدا کرد. در حوزه درآمدی به‌ویژه در جوامع روستایی اگر کسی فقط کار کشاورزی بلد باشد، زندگی‌اش خیلی جلو نمی‌رود، فرد روستایی، کشاورزی می‌کند، دامداری هم انجام می‌دهد و بطور هم‌نگهداری می‌کند، حتی تعمیر تراکتورش را هم یاد می‌گیرد، یعنی همه علوم لازم برای زندگی را خودش به‌صورت خرد خرد یاد می‌گیرد. در کل جامعه هم همین رویکرد وجود دارد.

البته معتقدم که درحال حاضر و در همه دنیا، آدم‌ها در رابطه با همه‌چیز اظهارنظر می‌کنند، مثل سلبریتی‌ها در سطح جهانی که درباره همه موضوعات نظر می‌دهند. این مسأله در جامعه ما پررنگ‌تر است، چون ما دائم خودمان را با دیگر جوامع مقایسه و نقد می‌کنیم، مردم ما قدرت نقد زیادی دارند و البته فضای لازم در این زمینه هم در

دنیا مجازی وجود دارد. مردم علم راغیر فیلتر بودن برخی از شبکه‌های مجازی، با فیلترشکن وارد آن‌ها می‌شوند و به‌راحتی همه‌چیز را نقد و اظهارنظر می‌کنند.

در چنین فضایی که چنین راحت می‌توان نقد کرد، پس پاسخ این پرسش که آیا همه افراد به صرف داشتن مدرک و محفوظات، باسواد محسوب می‌شوند نسبی است؛ تا حدی می‌توانیم بگوییم بله و تا حدی هم نه. باید ببینیم که فرد کجا و چطور درس خوانده است. کسی که مدرک تحصیلی از دانشگاه معتبر دولتی دارد و استادان به‌سختی از او کار کشیده‌اند و خودش هم کار کرده، فرد باسوادی است، به‌ویژه در حوزه دکتری که فرد باید در حوزه خودش کاملاً متخصص شود، اما کسی را می‌شناسم که حتی یک روز در کلاس درس دانشگاهی حاضر نشده و فوق‌لیسانس گرفته است. به‌همین دلیل معتقدم رابطه مدرک با محفوظات و سواد، کاملاً نسبی است.

این‌که کجا و با چه استادانی درس خوانده باشیم، مهم است. این‌که استادان مسئولیت اجتماعی خود را برای کارکنشین از دانشجو به کار برده یا نبرده باشند مهم است. من دانشجویی داشتم که پایان‌نامه‌اش را دهبار برگرداندم، اما مشاور پایان‌نامه یا ریسس آموزش با من تماس گرفت که شما را به‌خدا قسم، به‌شکلی مشکل این دانشجو را رفع و رجوع کنید! یا دانشجویی که حتی پایان‌نامه‌اش را هم بیرون از دانشگاه نوشته‌اند و همان هم پر از ایراد است. چگونه می‌توان در این موارد گذشت کرد؟ پس وقتی تحصیل به این شکل جلو می‌رود، مدرک تحصیلی صرف، نشان‌دهنده

الگوی کتبی سواد

فرآیند مطالعاتی الگوی کتبی سواد را مهسا شیخان از دیدگاه انسان‌شناسی بررسی می‌کند. او انسان‌شناسان تاریخی نسل دوم را پیشگام مطالعه در این حوزه معرفی می‌کند و می‌نویسد: در این دیدگاه، تمرکز بر جمع‌آوری اطلاعات آماری و کمی از سواد است تا کمک آن الگوهای در حال تغییر، سواد را تفسیر کنند. در همین دیدگاه است که سواد به توسعه اجتماعی و اقتصادی و طبقات اجتماعی مختلف و رفتارهای جمعیت‌شناختی، شکل‌گیری خانواده و مسائل از این دست مرتبط می‌شود. در همین دوران که نظریه شکاف عظیم میان جوامع برخوردار از متن و جوامع شفاهی مطرح شده، مفاهیمی چون سواد به مثابه عقلانیت، سواد به مثابه مظهر عقلانیت و تمایز میان دو حالت «شفاهی» و «کتبی» و تأکید بر مهارت‌های شناختی به‌مثابه مهارت‌های دست بالا از جمله رویکردهای این گروه از انسان‌شناسان است.

«جک گودی» به‌طور خاص در کتاب معروف خود با عنوان «رام کردن ذهن وحشی» (۱۹۷۷) شکل‌گیری و ابداع الفبا را به‌طور خاص به «عقلانیت» مرتبط دانسته است. او توسعه بوروکراسی، رشد فردیت و توسعه سیستم‌های انتزاعی دولتی، تفکر انتزاعی و استدلال در علوم جدید را وابسته به سواد و نوشتن به‌طور خاص دانسته، به‌طوری‌که جوامع شفاهی را فاقد تمامی این ویژگی‌ها می‌داند.

«گراف» در کتاب «سطوره سواد» این دیدگاه‌ها را به‌روشنی معرفی کرده است؛ دیدگاه‌هایی که برخورداری از سواد و متن کتبی را غالباً تمایز میان جوامع ابتدایی/مدرن، باسواد/بی‌سواد، توسعه‌یافته/توسعه‌نیافته، دانسته‌اند. این دیدگاه به‌طور خاص مبنای بسیاری از برنامه‌ها و کمپین‌های سواد در سرتاسر دنیا بوده است.

سواد به‌مثابه مهارت ذهنی را در تعداد زیادی از فعالیت‌ها و برنامه‌های کمپین سوادآموزی یونسکو هم می‌توان به‌راحتی مشاهده کرد؛ از جمله برنامه‌های کمپین سواد در ایران در دهه ۴۰ میلادی باعنوان سیاه دانش، کمپین سواد در تانزانیا و نبال. ردپای این تحول در معانی سواد را در گزارش‌های سواد یونسکو و برنامه‌های دانش سواد با عنوان «سواد برای همه» هم می‌توان مشاهده کرد؛ سوادی که به‌واسطه روش‌های آموزشی مختلف، متنوع و بعضاً متناقضی که مجموعه گسترده‌ای از مواد و مطالب درسی را شکل داده‌اند، یعنی فناوری ذهنی، خارج از هم‌بافت و فارغ از پیشینه فرهنگی اجتماعی یا آموخته‌های هم‌بافتی افراد، فارغ از موقعیت‌های جغرافیایی و فرهنگی به‌شکلی واحد قابل اکتساب تلقی می‌شود.

گروه دیگری از مطالعات تاریخی سواد در ابتدای دهه ۹۰ میلادی ظهور کردند. مطالعات جدید از مطالعات کتبی بیشتر فاصله گرفتند و پرسش‌های انتقادی بسیار مهمی را در خصوص ماهیت سواد و ارتباط آن با طبقه اجتماعی، فرهنگ، جنسیت و سن و موضوعاتی از این قبیل مطرح کردند. این مطالعات عموماً رویکردهایی اجتماعی–فرهنگی نسبت به مقوله سواد داشتند و از آن‌ها با عنوان «سواد موقعیت‌مند» یاد می‌شود. گراف به نقل از لنکشیر این چرخش دیدگاه‌های سواد را به‌خوبی توصیف می‌کند: چرخش از «مطالعات تاریخی سواد» به «مطالعات تاریخی که سواد را در هم‌بافت و مفهوم‌سازی‌های خود در بر می‌گیرند»، یعنی از تاریخ سواد به سواد در طول تاریخ.

متفکران این حوزه با ارجاع به مسأله سواد و یادگیری در میان جوامع مختلف، سوادآموزی را فرآیندی مادام‌العمر و متنی کنش‌های زبانی گروه‌های اجتماعی فرهنگی خاص دانسته و نقش قدرتمند زسان، متن، هم‌بافت و قدرت‌های نهادینه اجتماعی را در شکل‌گیری سواد به‌عنوان یک بر ساخته اجتماعی تبیین می‌کنند. در این دیدگاه میان‌رشته‌ای که مباحث نظری و روش‌شناختی حوزه‌های گسترده‌ای از علوم مثل زبان‌شناسی، انسان‌شناسی، توسعه، تعلیم و تربیت را در قوسبفت و تبیین کنش‌ها و فرآیندهای سواد را به‌کار می‌گیرد، توسعه سواد بیش از آن‌که تابع فرآیندهای مدرسه‌ای خواندن متون و نوشتن باشد، محصول تعامل افراد در هم‌بافت‌های مختلف اجتماعی سواد بدانیم که عالم فاضل باشد. کسی که باسواد است و در تحلیل عالمانه دارد، در همان چارچوب گفته‌شده نقد و تحلیل می‌کند. وقتی نقد و تحلیل آدم‌ها را می‌خوانیم متوجه سوادشان می‌شویم. کسی که عالم فاضل باشد قدرت نقد و تحلیل عالمانه دارد.



نگ پیسوادی



عباس اقبال آشتیانی

غیر از مردم لابلالی و بی مبالات، هیچ کس نیست که پیش از خروج از خانه و قدم نهادن در کوچه لاقفل روزی یکبار خود را در آینه ببیند و وضع سر و لباس و کفش و کلاه خود را تحت مراقبت نیاورد و نواقص و معایب و بی نظمی‌ها و آشفتگی‌های هیأت ظاهر خویش را به‌شکلی ترمیم و اصلاح ننماید. چرا؟

برای آن که انسان، ذاتا خودخواه است و خود را از هیچ کس کمتر و پست‌تر نمی‌شمارد و بر او بسی ناگوار است که با هیأت و اندامی ناساز و شکل و ریختی منکر در مقابل دیگران جلوه کند و دیگران در ظاهر او عیب و نقصی قابل سرزنش و خرده‌گیری ببینند و بر او بخندند.

این توجه و دقت در رفع عیوب ظاهری به هر نظر که تعبیر شود به شرط آن که به حد خود آرای و ظاهر سازی نرسد، ممدوح است، چه برای مرد دردی بدتر از آن نیست که مورد عیب‌جویی هر کس و ناکس قرار گیرد و به علت عیبی که رفع آن بسیار آسان بوده، انگشت‌نمای این و آن واقع شود.

اما تعجب در این جاست که غالب همین مردم که برای رفع عیب‌جویی دیگران، در حفظ ظاهر گاهی از حد اعتدال نیز قدم فراتر می‌گذارند، هر روز در گفته و نوشته خود، مرتکب هزار غلط انشایی و املائی می‌شوند و متوجه نیستند که به علت تقریر و تحریر نادرست و بی‌اندام، تا چه حد مورد طعنه و مضحکه خاص و عامند و چون تأثر و تألمی هم از این بابت ندارند به هیچ‌وجه در صد رفع این عیب بزرگ نیز بر نمی‌آیند.

ممکن است که انشای کسی سست و نارسا و مبهم و دور از قواعد فصاحت و بلاغت باشد. اگر چه رفع این عیوب نیز تا حدی به‌مدد تتبع آثار بزرگان ادب و ممارست در خواندن و به‌حفظ سپردن گفته‌های فصیح و بلیغ فراهم می‌آید، لیکن چون نویسندگی هم مانند شعر تا حدی موقوف به استعداد ذاتی و طبع خدادادی است، باز می‌توان صاحب چنین نوشته‌ای را معذور داشت و از او چیزی را که خدا به او نداده است و تدارک آن به اکتساب مقدر نبوده، نخواست. اما غلط املائی چنین نیست، اصلاح آن به کلی به‌دست خود انسان است و در مرحله چیز نویسی، اتفاقاً از هر کار دیگر آسان‌تر است.

ذوق، تنها آن نیست که انسان فریفته و دلدا به هر منظره زیبا و هر هیأت موزون و هر آهنگ دلنواز شود، بلکه یک درجه از ذوق سلیم هم است که انسان طبعاً از هر منظره زشت و هر هیأت ناموزون و هر آهنگ ناساز، تنفر و اشمئزاز حاصل کند و آن‌ها را با اکراه و ناخوشی تلقی نماید تا طبعش به پستی و زشتی نگراید و همیشه جویای زیبایی و رسایی و درستی باشد.

کسانی که در نوشته‌های خود، استمراراً مرتکب اغلاط املائی می‌شوند و به این عیب بزرگ که به‌دست ایشان پرداخته می‌شود، پی نمی‌برند، علاوه بر آن که از آن درجه از ذوق که مانع انسان از مراقبت با زشتی و نادرستی است محرومند، از درک ننگ و عار نیز بی‌نصیبند و آن همت را ندارند که زشتی و نادرستی را که در وجود ایشان هست و مسبب آن نیز خود آنانند و به‌خوبی می‌توانند آن را رفع کنند، از میان بردارند و صحیح و سالم چیز بنویسند.

در ممالک متمدنه دنیا، هر روز نامه‌ای را که بخريد، اگر چه ممکن است که مطالب آن سخیف و مهوع و خلاف حقیقت و بر ذوق ناگوار باشد، اما کمتر اتفاق می‌افتد که یک غلط املائی در آن دیده شود، و به‌قدری غلط املائی برای هر کس که قلم به‌دست می‌گیرد در این ممالک ننگ است که اغلاط املائی را که ما در نوشته خواص اعضای ادارات و پاره‌ای از رجال عالی مرتبه خود هر روز می‌بینیم، ایشان «غلط‌های زنان رختشویی» می‌گویند، زیرا که زنان رختشویند که به‌علت بی‌سوادی تمام به این شغل نسبتاً پست سر فرود آورده و در موقع برداشتن صورت جامه‌هایی که برای شستن می‌گیرند، مرتکب این قبیل اغلاط می‌شوند.

روزی به یکی از همین آقایان که در نوشتن املائی کلمات بسیار بی‌مبالات است و اتفاقاً مایه و استعدادی طبیعی نیز برای نویسندگی دارد گفتیم که املائی فلان کلمه و فلان کلمه غلط است. در جواب گفت: من مخصوصاً آن‌ها را به این اشکال نوشته‌ام و چون یقین دارم که دنیا زیر و زبر نخواهد شد، در این کار تعمد کرده‌ام.

من دیگر به او چیزی نگفتم، چه مسلم می‌دانستم که اگر کسی املائی درست کلمه‌ای را که همه در ضبط آن اتفاق کرده و اهل لغت آن را به همان

وضع قرار داده‌اند بدانند، محال است که هیأت صحیح و متفق علیه را که همه می‌شناسند و معنی آن را می‌فهمند و اگر هم نفهمند به‌مدد کتب لغت به معنی آن پی خواهند برد، رها کند و به‌جای آن از خود هیأتی جدید که معروف و مفهوم هیچ کس نیست، به کار برد و با این حرکت خودخواهانه، مفهوم مقاصدی را هم که کلمات قراردادی برای بیان آن‌ها وضع شده، بر دیگران مشکل یا محال کند.

این قبیل بی‌مزگی‌ها، اگر هم به گفته آن رفیق، واقعا عمد شمرده شود و ناشی از نادانی و عجز و بی‌همتی در راه رفع عیب نباشد، اگر چه دنیا را زیر و زبر نمی‌کند، ولی باز زشت و مضحک است و اگر کسی در تعقیب آن لجاج و اصرار به‌خرج دهد، هیچ چیز دیگر از آن جز خفت عقل و سبک‌مغزی فاعل آن بر نخواهد آمد.

قرار تمام مردم عادی و عاقل بر این است که کلاه را بر سر بگذارند و کفش را در پا کنند. اگر کسی پیدا شود که به عقیده نادرست و گمان سست خود بخواهد خرق اجماع کند و برخلاف قرار عام برود و کلاه را در پا و کفش را بر سر قرار دهد البته دنیا زیر و زبر نمی‌شود، لیکن او با این حرکت، خود را مضحکه و مسخره عموم می‌سازد و همه بر سبکی عقل و اختلال حواس او اتفاق می‌کنند.

از این گذشته اگر بنا شود که هر کس به هوای نفس و تفنن شخصی در املائی لغات تصرف کند، چون هوای نفس و تفنن هر کس به‌شکل خاصی است، دیگر میزانی برای تشخیص صحیح و سقیم برای کسی باقی نمی‌ماند و هرج و مرج غریبی پیش می‌آید که هیچ کس معنی نوشته دیگری را نمی‌فهمد و غرض اصلی از وضع خط و توقیفی قراردادن لغات که تفهیم و تفاهم باشد، یکباره از دست می‌رود.

اگر چه غلط املائی برای هر کس عیب است، لیکن هر قدر اهمیت مقام شخص بیشتر و رتبه او در مقامات دنیایی بالاتر باشد، این عیب نمایان‌تر و ننگ و رسوایی صاحب آن واضح‌تر می‌شود. البته غلط املائی یک رختشویی را مردم معذورتر می‌شمارند تا غلط املائی یک امیر یا وزیر را.

بسا شده است که بر اثر مشاهده یک چنین غلطی، تمام هیبت و شوکت وزیر یا امیری بر باد رفته است. وقتی در مجلس شمس‌الدین در گزینی، وزیر سلطان مسعودین محمدین ملک شاه سلجوقی، موقعی که کمال‌الدین زنجانی (که بعدها وزیر طغرل سوم شد) از بغداد به اصفهان رسیده بود، شمس‌الدین در گزینی او را مخاطب ساخته گفت: با وجود نامنی راه‌ها، چگونه بوده است که به سلامت ماندی، مگر از «جده» نیامدی؟ کمال‌الدین گفت: ایها الوزیر، جاده است نه «جده».

گفت: راست گفتی، جده آن است که تیر کمان در آن می‌گذارند و مقصود او «جعبه» بود که این معنی اخیر را دارد.

تمام حضار مجلس بر شمس‌الدین وزیر خندیدند و وزیر چون دریافت که نه املائی صحیح جاده را می‌داند نه هیأت درست جعبه را، خجلت بسیار برد و تا مدتی جسارت آن که در روی حضار نگاه کند نداشت.

یکی از مغلظه‌بازی این قبیل آقایان، وقتی که ایشان را در غلط نوشتن املاها ملامت کنید این است که املاهای فارسی، آمیخته به عربی مشکل است و به آسانی نمی‌توان آن را آموخت.

فرض کنید که این گفته بی‌اساس درست باشد. چون زبان فارسی امروزی با همین املا و انشا زبان ما و وسیله امتیاز ما از سایر ملل و با ثروت گرانیهایی از نظم و نثر که دارد مایه سرفرازی ما در جهان است، باید آن را با هر اشکالی که دارد همان‌طور که قدمای ما آن را درست و راست فرا می‌گرفته و تا حد توانایی در تکمیل و تحسین آن می‌کوشیدند فرا بگیریم و اگر نمی‌توانیم چیزی بر کمال و جمال آن بیفزاییم، لاف‌لاقی تیشه ستم بر پیکر زیبایی آن ننزیم و هیأت موزون و عارض جمیل آن را به ناخن نادانی و خودخواهی نخرشیم.

اگر قدری تأمل کنیم و انصاف به خرج دهیم می‌بینیم که این عذر بدتر از گناه این معترضین نیز مقبول نیست، زیرا که تمام لغات مشکله‌ای که املائی آن‌ها محتاج به آموختن و ضبط است و در نوشته این قبیل آقایان می‌آید، شاید از هزار تجاوز نکند. آیا ضبط صحیح هزار کلمه و به‌خاطر سپردن آن‌ها چنان کار دشواری است که از عهده یک شخص عادی بر نیاید و اگر اشکال و زحمتی دارد تا آن اندازه باشد که از تحمل ننگ بی‌سوادی و مضحکه شدن در پیش هر کس و ناکس سخت‌تر و ناگوارتر به‌شمار آید؟

* مجله یادگار، سال اول، شماره چهارم، نوشته عباس اقبال آشتیانی /

(۱۳۳۴-۱۲۷۵) تاریخ‌دان، ادیب، نویسنده، بنیانگذار روش نگارش تاریخ، التقاطی و جزو پایه‌گذاران مقاله‌نویسی نوین در ایران

«گلام»ها زیاد شده‌اند!



محمد احمدوند*

* به یک فروشگاه زنجیره‌ای رفته‌ام. این فروشگاه برخلاف اکثر فروشگاه‌ها اول قیمت را ۴۰ درصد بالاتر نمی‌برد که بعد ۳۰ درصد تخفیف بدهد. فعلاً که این‌طور است. سبیدی برمی‌دارم و خریدهایم را در آن می‌گذارم. وقتی می‌خواهم پای صندوق حساب کنم، خانواده‌ای (یک مرد، یک زن و یک دختر بچه) هر کدام چیزی در دستشان پای صندوق می‌آیند و با این که علامت جایگاه ایستادن (رعایت فاصله اجتماعی) و اطلاعیه هم نصب شده، می‌آیند و درست کنار من می‌ایستند، جالب‌تر این که چون خریدهایشان در دستشان است می‌خواهند زودتر آن‌ها را روی پیشخوان صندوق بگذارند و بی‌مهالبا خریدهای من را جابه‌جا می‌کنند. به پدر خانواده می‌گویم عزیز من، فاصله را که رعایت نکردی هیچ، چرا به خریدهای من دست می‌زنی؟ با تمسخر می‌گوید: «همه چیز مان درست شده، فقط این یکی خراب است!؟»

* رفته‌ام برای عوض کردن دسته موتور ماشینم. مکانیک من مجبور می‌شود تلفنش را جواب بدهد و از ماشین دور می‌شود. پیرمردی که ماسک هم زده و منتظر تعمیر ماشین خودش توسط مکانیک دیگری است جلو می‌آید و دسته جدید را برمی‌دارد و قشنگ وارسی می‌کند. می‌گویم شما مکانیک هستید که دست می‌زنید؟ بدش آمده. می‌گوید گفتم شاید صاحب ندارد. می‌گویم این وقت این دسته جدید از کجا پرواز کرده آمده این‌جا؟ نمی‌خواهد کم بیاورد. می‌گوید من برعکس تو که نشسته‌ای، می‌خواهم چیز یاد بگیرم! می‌گویم مگر مکانیک در حال کار کردن است که از او چیزی یاد بگیری؟ هیچ چیز نمی‌گوید. می‌گویم برای چه ماسک زده‌اید؟ می‌گوید معلوم است، کرونا. می‌گویم بعد نشنیده‌اید که دست، مهم‌ترین دلیل انتقال ویروس کروناست؟ چرا به اموال دیگران دست می‌زنید؟ دیگر عصبانی شده است. می‌گوید: «این‌جا ایران‌ها. اروپا که نیست،»

همیشه وقتی کسی این حرف را می‌زند - که زیاد هم می‌شنوم - می‌فهمم با کسی طرف هستم که دیگر هیچ استدلالی در او کارساز نیست.

* برای دوستی از دوران مدیریتم در آموزش و پرورش تعریف می‌کردم و این که سعی کردم کار خوب را قدر بدانم و در برابر تخلف عامدانه کوتاه نیایم. وسط حرفم پرید که «با یه گل که بهار نمی‌شه» و شروع کرد به انتقاد از زمین و زمان و گران‌فروشی و زدوی و اختلاس و سوءمدیریت در کشور و چند نمونه از تجربه‌های خودش را برام ردیف کرد.

راستش برخورد با این نوع آدم‌ها من را یاد «گلام» سریال کارتون گالیور می‌اندازد، همان که دائم می‌گفت «من می‌دونم نمی‌شه. کارمون تمومه!» گلام‌ها این روزها زیاد شده‌اند. آدم‌هایی که ناامیدی را مثل سرمای چله زمستان در جان آدم می‌اندازند، آدم‌هایی که برای اشتباهاتشان بهانه‌تراشی می‌کنند، آدم‌هایی که برای شکست‌هایشان دنبال مقصر می‌گردند.

من به‌هیچ‌وجه منکر مشکلات نیستم و اصلاً خودم همیشه یکی از معترضان به سوءمدیریت‌ها و سوءاستفاده‌ها در جامعه هستم، ولی جامعه سیاه مطلق نیست و این که جامعه یعنی من، تو، ما، مگر ایران را چه کسی ساخته؟ مگر قرار است چه کسی جز خود ما فرهنگ را ارتقا دهد؟ مگر انتظار داریم دیگران الگوی بچه‌ایمان باشند و فهم و شعور اجتماعی بودن و در اجتماع زندگی کردن را به بچه‌ایمان یاد دهند؟ مگر قرار است همه چیز به یک‌باره حل شود؟

لازم نیست همه چیز و همه کس را عوض کنیم. کافی است خودمان را عوض کنیم. قرار نیست همه پول و در آلمان را به فقرا بدهیم چون فقرا همیشه هستند و کم هم نمی‌شوند، چون همیشه چهل هست و تا وقتی چهل هست فقر هم هست. قرار نیست به هر بیچاره‌ای کمک کنیم چون اصلاً نمی‌توانیم.

اصلاً به کسی که خودش هم نمی‌خواهد به خودش کمک کند مگر چندبار باید فرصت داد؟ لازم نیست حتی پول خرج کنیم. کافی است زکات علم خود را بدهیم یا هنر و مهارت‌مان را گاهی، جایی، رایگان عرضه کنیم یا قدمی خیر برای کسی برداریم. اصلاً لازم نیست همین کارها را هم کنیم اگر نمی‌توانیم. کافی است آدم‌های خوبی باشیم و چیزی را که برای خود نمی‌پسندیم برای دیگران هم نپسندیم. اگر از خوب بودن هم فراری هستیم کافی است حرف نزنیم. گاهی سکوت بهترین لطف در حق دیگران است.

* مدرّس و رئیس سابق آموزش و پرورش سامن (استان همدان)





کتاب خواندن در عصر دیجیتال



● لیا پرایس

حتی می‌تواند بدین شکل درآید که کتابی حقیقتاً چندپاره شود و صفحات آن از نو بازیابی شوند.

با رشد کتاب‌های صوتی، بحثی بالا گرفته است که آیا گوش دادن به کتاب واقعاً به معنای خواندن آن است؟ باز هم البته وقتی نرخ سواد پایین باشد کاملاً عادی خواهد بود که افراد به جای خواندن کتاب به شنیدن آن روی آورند.

همچنین شاید نوعی منزلت اجتماعی محسوب می‌شده. اگر اشراف‌زاده بودید، در حالی که داشتید موهایی خود را مرتب می‌کردید، خدمتکاری پشت صندلی تان می‌ایستاد و با صدای بلند برایتان کتاب می‌خواند؛ این نوعی مصرف حریصانه است. هرچند می‌توانست در قالب گروهی از مردان طبقه کارگر نیز در آید که کسی روزنامه را با صدای بلند در جمع برایشان می‌خوانده. رواج دوباره بلندخوانی را می‌توان تا حد زیادی به مشکل استفاده از وقت‌های مرده نسبت داد. از اوایل قرن نوزدهم، زمان رفت و آمد روزانه از بهترین زمان‌های مطالعه بوده است. عصر طلایی روزنامه در قرن نوزدهم، عصر طلایی خطوط ریلی نیز بوده است. می‌بینید که امروز کتاب صوتی جایگزین روزنامه در قطار شده است.

دست‌کم در بریتانیا، بستن کتاب‌خانه‌ها تغییراتی با خود داشته است. برای آن دسته از ما که کتاب‌خانه‌ها را مکان‌هایی مقدس می‌دانستیم، خبر وحشتناکی بود. اما با وجود گوگل و کتاب‌های دست دوم با قیمت یک پنی و داندل و رایگان آثار کلاسیک، بیش از حد احساساتی نشده‌ایم؟

اصلاً فکر نمی‌کنم احساساتی شده باشیم. کتاب‌های گوگل تا حد زیادی، حاصل زحمات کتابدارانی هستند که آن کتاب‌ها را فهرست و فراداده را فراهم کرده‌اند. نکته دیگر این است که کتاب‌خانه یکی از معدود فضاها شهری است که در آن افراد از طبقات اجتماعی و زمینه‌های فرهنگی مختلف می‌توانند در کنار هم قرار بگیرند و همه فعالیت مشترکی به نام مطالعه را انجام دهند. این امر تقابل‌های بسیاری را برانگیخته است. پس از تأسیس کتابخانه‌ها در میانه قرن نوزدهم، باور عمومی بر این بود که این کتاب‌خانه‌ها سبب گسترش بیماری می‌شوند؛ همان کتابی که در دست فردی بیمار و کثیف از طبقه کارگر بوده، در دستان فردی از طبقه متوسط قرار می‌گرفت که از نظرات داخل کتاب متأثر نمی‌شود بلکه از شرایط فیزیکی کتاب تأثیر می‌پذیرد. همین شد که کتابخانه‌ها به فکر ضدعفونی کردن کتاب‌ها افتادند؛ ابتدا هم با اتاق گاز. (در اولین سال‌های بحران ایدز در ایالات متحده نیز چنین نگرانی‌هایی مطرح بودند).

این بحث تا امروز هم کشیده شده است؛ یکی از کارهای مهم نمادین کتابدارها در کشورهای مختلف اروپایی این بوده است که تأکید کنند کتاب‌خانه‌ها به‌روی همه کاربران، فارغ از مدارک شهروندی و اقامت، باز هستند. کتاب‌خانه‌ها فضاهای برابر مهمی هستند. جایی که بچه‌ها تکالیفشان را انجام می‌دهند، افراد به به دنبال توصیه‌ای برای گرفتن تخفیف مالیاتی می‌گردند یا به به دنبال یک سرویس بهداشتی‌اند یا از باران فرار می‌کنند و در آن پناه می‌گیرند.

علی‌رغم همه بحث‌ها درباره انقلاب کتاب‌های الکترونیک، به نظر می‌رسد دست‌کم در زمان، نسخه چاپی همچنان محصول درجه اول باقی می‌ماند و کتاب الکترونیک نسخه فرعی آن‌ها خواهد بود. به نظر تان با وجود رسانه‌هایی که توانایی‌های مختلفی را در خود دارند، جای بیشتری برای خلاقیت و تغییر چگونگی عملکرد نثر وجود ندارد؟

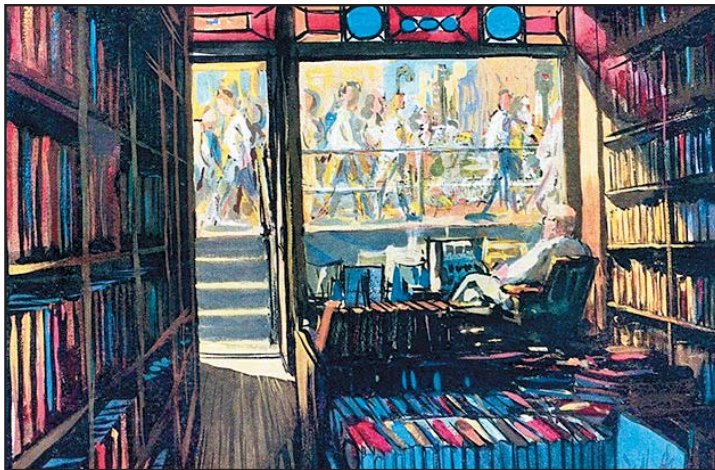
در اولین روزهای متن الکترونیک، بر سر هیپرلینک هیاهوی بسیاری شد. این‌طور تصور می‌شد که با وجود رسانه‌های جدید، یک خط روایی ساده به خطوط روایی چندگانه تبدیل می‌شود. تقریباً هرگز چنین اتفاقی نیفتاد. این مثالی است که نشان می‌دهد پیش‌بینی کاربرد مجموعه مشخصی از احتمالات فنی بسیار دشوار است. البته، کتاب صوتی کمتر از کتاب چاپی این سو و آن سو می‌رود. و تجربه‌ای متغایرتر است. به‌نظم دیوانه‌کننده است که آدم نتواند چیزی را پیدا کند، نتواند ارجاع دهد، نتواند به عقب باز گردد. حاشیه نوشتن هم بسیار دشوار است. بدین معنا، می‌توان گفت خوانندگان، قالبی کمتر تجربی و با محدوده تنگ‌تر را برگزیده‌اند.

* این مطلب گفت‌وگوی سمیر رحیم، روزنامه‌نگار و نویسنده مسلمان بریتانیایی است با لیا پرایس، استاد ادبیات دانشگاه هاروارد و روزنامه‌نگار ادبی، که وبسایت ترجمان آن را به ترجمه نجمه رضانی منتشر کرده است.

وقتی سطح سواد بالا بود، کتاب ارزان شد، رسانه دیگری هم نبود که بر سر وقت و توجه ما با کتاب رقابت کند. مانع ما برای خواندن ادبیات والا، هرگز رسانه نبوده است، بلکه تقریباً همیشه این مانع، زمان است. موضوع، سایر فعالیت‌هایی است که برای مطالعه باید کنار بگذاریم.

شاید خوانندگان نسل‌های قبل هم به اندازه ما محدودیت زمانی داشته‌اند یا مثل ما کتاب‌ها را ورق می‌زده‌اند. یاد جمله‌ای از ساموئل جانسون افتادم: «شاید کتابی به هیچ دردی نخورد یا تنها یک نکته به درد بخور در آن باشد، آیا باید کل کتاب را بخوانیم؟»

غالب کتاب‌های چاپی گذشته آثار برجسته‌ای در ادبیات تخیلی نبوده‌اند که بنا باشد از اول تا آخر خوانده شوند؛ دایره‌المعارف و واژه‌نامه و فهرست بوده‌اند. پس وقتی برای کتاب‌های چاپی افسوس می‌خوریم، در واقع برای نوع خاصی از انفعال و پذیرش افسوس می‌خوریم، مدلی از خواندن که کتابی را باز می‌کنید و می‌گذارید سراسر وجودتان را شستشو دهد. اما بی‌شک دکتر جانسون خواننده‌ای بود به‌شکل عجیبی همه‌چیز خوان و به‌شکل عجیبی غیرمحترم که این طرف و آن طرف می‌پرد و توی کتاب‌ها سرک می‌کشید و آن‌ها را سراسری می‌خواند و از این کارها خجالت هم نمی‌کشید. خوانندگان معمولاً زیگزگ پیش می‌روند و مسیر خود را در خواندن کتاب کوتاه می‌کنند و این کاملاً شبیه زندگی فعلی آنلاین ماست که همواره در حال جستجو و ول چرخیدن هستیم.



تصویر یک شومیزه‌خواری ۱۸۵۰ میلادی، چاپی از کتاب "The Picture Book of the Library" اثر "The Picture Book of the Library".

وقتی کتابی را در کیندل می‌خوانیم یکی از چیزهایی که کمی روی اعصاب است، این است که می‌توانیم ببینیم دیگران زیر کدام عبارت‌ها خط کشیده‌اند.

آنچه همیشه به به‌نظم ناراحت‌کننده می‌آید این است که سایر خوانندگان زیر جملاتی خط کشیده‌اند که بیش از همه قابل نقل‌قول کردن است و منطق سریع‌الوصولی دارد؛ یک چیزی شبیه طالع‌بینی وسط یک داستان. باوجوداین، این کار با خط‌کشیدن در کتاب‌های چاپی کتابخانه‌ای تفاوت زیادی ندارد. کتاب‌هایی که بیشترین بندهای برگزیده در آن‌ها همان موعظه‌های دینی و اخلاقی قابل نقل هستند.

مطمئنم شما داستان کشف نسخه‌ای از نمایشنامه‌های شکسپیر که متعلق به میلتون بوده را با حاشیه‌نویسی‌های اطرافش می‌دانید.

تا میانه قرن نوزدهم، نوشتن در کتاب‌ها خراب کردن آن‌ها محسوب نمی‌شد. امروز نوشتن در کتاب به همان اندازه زشت است که گذاشتن پا روی میز کتابخانه. اما در زمان میلتون، نوشتن در کتاب خراب کردن آن نبود بلکه غنا بخشیدن به آن بود. اگر شما بچه مدرسه‌ای بودید و چیزی در کتابتان نمی‌نوشتید، معلوم می‌شد تنبلی کرده‌اید و واقعا درگیر بحث نشده‌اید. از حوالی ۱۸۵۰ دیگر این در روی پاشنه قلی‌نچرخید، یعنی زمانی که کتاب‌خانه‌های عمومی با بودجه حاصل از درآمدهای مالیاتی در بریتانیا و ایالات متحده ساخته شدند. ساده بود، از بچه‌مدرسه‌ای‌ها خواستند چیزی در کتاب‌ها نویسند. البته این ماجرا ارتباطی هم با این باور پساامانتیک داشت که خواننده باید گیرنده باشد و نه فعال؛ این که کتاب باید ما را متحول کند و نه بالعکس. اما اگر نگاهی به کتاب‌های چاپی اولیه ببیند، نوعی تلاش جمعی در کار است و کتاب چاپی، ماده خامی محسوب می‌شود که کاربر با استفاده از آن نوع اختصاصی خود را شکل می‌دهد. این ماجرا

آیا با فراگیر شدن کتاب‌های الکترونیک و صوتی باید منتظر مرگ کتاب کاغذی باشیم؟ سال‌های زیادی از رواج رسانه‌های دیجیتال نمی‌گذرد، اما همین الان هم خیلی‌ها نوستالژی دورانی را دارند که اینترنت و گوشی هوشمند و شبکه اجتماعی وجود نداشت. نوستالژی‌ها را می‌گویند در آن دوران کتاب آن قدر غریب نبود و مردم خوانندگان جدی‌تری بودند. همچنین دامنه توجه روز به‌روز کاهش می‌یابد. دیگر آن قدر صبر و حوصله نداریم که درست مطالعه کنیم. نسخه مکتوب چاپ‌شده، یک فناوری مرده است و آینده روی کتاب‌های الکترونیک و صفحات وب هیپرلینک‌شده می‌چرخد. گوش دادن به کتاب صوتی به‌اندازه خواندن کتاب کاغذی خوب نیست. این هاب‌ورهای رایجی است که حتماً به‌گوشتن خورده، اما آیا این حرف‌ها درست هم هست؟ لیا پرایس، استاد ادبیات انگلیسی دانشگاه هاروارد، می‌گوید ماسخیلی زود فرض را بر این می‌گذاریم که عصری به نام عصر طلایی خواندن داشته‌ایم و از آن تنزل کرده‌ایم. «سمیر رحیم» از مجله «پراسپکت» پس از انتشار کتاب جدید پرایس، «وقتی درباره کتاب‌ها سخن می‌گوییم از چه سخن می‌گوییم» درباره این کتاب با او به گفتگو نشست. این مصاحبه ویرایش شده است تا خلاصه‌تر و شفاف‌تر بشود.

سمیر رحیم: در اواخر کتاب، از مارشال مک‌لوهان نقل قول کرده‌اید که کتاب‌ها را جزو عتیقه‌های خارج از رده ذکر کرده است. یک مدت، خیلی‌ها پایان عصر کتاب را اعلام می‌کردند، درست است؟

لیا پرایس: وقتی مردم از مرگ کتاب حرف می‌زنند، اغلب درباره دو چیز کاملاً متفاوت سخن می‌گویند. یکی مرگ نوعی شیء خاص است که ظاهر و حس و بوی خودش را دارد و دیگری مجموعه‌ای از کارکردها و فعالیت‌هایی است که آن شیء انجام می‌داده است. شاید بشود آن را همان تفاوت فرم و کارکرد دانست. برای شخص من زنده‌ماندن آن شیء اهمیت ندارد، من به تداوم آن کارکردها و فعالیت‌های انسانی اهمیت می‌دهم.

این جاست که افسانه خواننده آرمانی مطرح می‌شود. موافقت می‌کنید؟

در عصر دیجیتال وقتی می‌بینیم کسی در تخت خواب وول می‌خورد و کتاب می‌خواند یا زیر درختی نشسته و کتاب می‌خواند، فکر می‌کنیم دارد تفریحی مطالعه می‌کند و احتمالاً یکی از آثار کلاسیک ادبیات تخیلی را می‌خواند اما در بخش عمده تاریخ کتب چاپی، این نوع خواندن مخصوص اقلیتی محدود بوده است. اگر از نسل گذشته می‌پرسید چه کتاب‌هایی در خانه دارند پاسخ رایج، کتاب مقدس و کتاب شماره‌های تلفن بود. پس عادلانه نیست که نبود کتاب چاپی را عامل پریشان‌خاطری، بی‌صبری و سطحی‌نگری جهان دیجیتال بدانیم. ما سناریوی آرمانی خواندن از روی کاغذ را با ارزیابی واقع‌بینانه‌تر خواندن دیجیتال مقایسه می‌کنیم. اگر فکر کنیم حضور کتاب‌های چاپی به‌شکلی معجزه‌آسا ما را دقیق‌تر و متمرکزتر می‌کند، خودمان را گول زده‌ایم.

در رسانه‌های اجتماعی، افرادی را می‌بینیم که عکس‌های خودشان را در حال مطالعه به اشتراک می‌گذارند یا عکس‌هایی از مجموعه کتاب‌های تلبار شده‌ای که آن ماه خوانده‌اند. می‌شود گفت نمایش نوعی هویت کتاب‌خوانی است.

اگر نگاهی به آیکون کیندل آمازون ببیند، تصویر کسی است که در طبیعتی زیبا زیر درختی نشسته و غرق در خواندن کتاب است. اما در طول تاریخ بسیاری از کتاب‌ها در قطار و اتوبوس یا در حال انتظار در مطب دکتر خوانده شده‌اند. وقتی کتاب چاپی را آرمان می‌کنیم، در واقع نوعی از خود را می‌ستاییم، نوعی خواننده که آرزو داریم جای او بودیم؛ درست همان‌طور که مایلیم شرارت‌های خود را به‌گردن ابزارهای دیجیتال بیندازیم و مثلاً می‌گوییم: «نه این که من بی‌حال و حوصله باشم، تلفن بی‌حوصله‌ام می‌کند».

یکی از کارکردهای مطالعه تاریخ خواندن، این است که نوستالژی را اصلاح می‌کند، نوستالژی که به چند دهه محدود بود. در قرن بیستم،

امروز در تاریخ

پیشنهاد انتقال پایتخت از تیسفون به استخر

در پی افتادن «حیره» به دست اعراب مسلمان در ماه می ۶۳۳ میلادی و سپس محاصره شهر انبار در جولای همان سال که هر دو منطقه در قلمرو ایران بودند (واقع در غرب تیسفون - پایتخت وقت) و انتظار حملات بیشتری از جانب اعراب، بزرگان کشور ۲۸ جولای به یزدگرد سوم شاه وقت پیشنهاد کردند که بهتر است ضمن دفاع در غرب فرات، پایتخت نیز به استخر (شیراز) منتقل شود. یزدگرد چون خطر حمله به تیسفون را بعد می دانست بآبایی اعتدایی تمام پیشنهاد را رد کرد ولی برای بسیج نیرو و آماده شدن برای دفاع در برابر حملات نظامی بزرگتر نیز اقدام نکرد.

عمومی شدن عزاداری محرم

طبق اسناد موجود، ۲۸ جولای سال ۹۶۴ میلادی (۱۵۵۲) احمد بویه دیلمی (معزالدوله) که از زمان تصرف بغداد در سال ۹۴۵ میلادی و تعویض خلیفه عباسی و خلع اختیارات حکومتی از خلفای این دودمان، امور دولتی را به عناصر ایرانی باز گردانده بود دستور داد که از آن پس هر سال، در روز اول ماه قمری محرم، مراسم عزاداری امام حسین (ع) برگزار شود.

شیخ فضل الله نوری به دادگاه انقلاب تسلیم شد

در این روز در سال ۱۲۸۸ شیخ فضل الله نوری که
پس از خلع محمدعلی شاه از سلطنت، از ۲۶ تیرماه در
خانه اش تحت نظر بود به اتهام مخالفت با نظام مشروطه
و ترغیب دیگران به این مخالفت به دادگاه انقلاب تسلیم
شد. شیخ فضل الله روز نهم امرداد ۱۲۸۸ به حکم این
دادگاه اعدام شد.

زمینه سازی برای حمله نظامی به ایران

مطبوعات متفقیان برای آماده ساختن زمینه حمله نظامی به ایران و توجیه آن، در شماره های ۲۸ جولای ۱۹۴۱ خود، با یک مضمون ایران را محل استقرار ستون پنجم هیتلر و نمود و نوشته بودند که ارتش ایران طبق نقشه محرمانه آلمان آماده حمله به قفقاز می شود تا در این منطقه نیروهای شوروی از دو سوی تحت فشار قرار گیرند (ایران از جنوب و آلمان از شمال). این روزنامه ها گزارش های اغراق آمیز از قدرت و وسعت ارتش ایران منتشر کرده بودند.

www.iranianshistoryonthisday.com

قاب امروز



آبشار خربو۔ ارتفاعات ماسولہ / عکس از: مرصاد جعفری

میراثہ

تین در غم ہجر دادہ بودم ہمہ شب
و از اندہ تو فتادہ بودم ہمہ شب
سر بر زانو نہادہ بودم ہمہ شب
گویی کہ ز سنگ زادہ بودم ہمہ شب
مسعود سعد سلمان

پند بزرگان

و اگر دنیا را بخواهی، قیمت تو همان است که خواسته ای!

شیخ رجبعلی خیاط

حرف زدن دلهره ای بود و حرف زدن درست فهمیده نشدن دلهره ای دیگر.

ژان کریستف

جدول شرح در متن ۵۳۰۵

غلامحسین باغبان

[illegible]

سودو کو

٢٧٩٢

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | 6 | | 5 | 4 | | | | |
| | | 1 | | | | | | 3 |
| 5 | 4 | | 2 | | 1 | | | |
| 9 | | | | 1 | 5 | | | 7 |
| | 5 | | 9 | | 7 | | 1 | |
| 3 | | | 6 | 2 | | | | |
| | | | 4 | | 6 | | 5 | 2 |
| 6 | | | | | | 7 | | |
| | | | | 5 | 2 | | 9 | |

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۷ | ۵ | ۶ | ۳ | ۱ | ۲ | ۴ | ۸ | ۹ |
| ۴ | ۸ | ۹ | ۷ | ۵ | ۶ | ۳ | ۱ | ۲ |
| ۳ | ۱ | ۲ | ۴ | ۸ | ۹ | ۷ | ۵ | ۶ |
| ۶ | ۷ | ۵ | ۲ | ۹ | ۳ | ۱ | ۴ | ۸ |
| ۱ | ۳ | ۴ | ۶ | ۷ | ۸ | ۲ | ۹ | ۵ |
| ۲ | ۹ | ۸ | ۵ | ۴ | ۱ | ۶ | ۷ | ۳ |
| ۸ | ۶ | ۷ | ۱ | ۲ | ۵ | ۹ | ۳ | ۴ |
| ۵ | ۴ | ۳ | ۹ | ۶ | ۷ | ۸ | ۲ | ۱ |
| ۹ | ۲ | ۱ | ۸ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ |

حل ۲۷۹۱

چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۶ مردادماه ۱۳۵۹ (مهرابر یا ۱۵ رمضان ۱۴۰۰، ۲۸ ژوئیه ۱۹۸۰) نقل شده است.

مجلس فردا برای نخست‌وزیری میر سلیم‌رای می‌دهد

دیروز بعدازظهر مجلس شورای اسلامی به پیشنهاد رئیس مجلس جلسه خصوصی داشت و حضور کلیه نمایندگان در این جلسه الزامی بود. به همین مناسبت نیز با وجود اینکه قرار بود برادر فخرالدین حمزجاری در موسسه اطلاعات حضور داشته باشد و پاسخگوی سوالات و مسائل خوانندگان شود، متأسفانه انجام مقصود دیررس نشد.

امروز نیز جلسه علنی مجلس تشکیل نشد و نمایندگان به دنبال جلسه خصوصی دیروز، امروز هم جلسه خصوصی داشتند که از قرار در این جلسه بحث پیرامون نخست‌وزیری مهندس میرسلیم است که اگر امروز به نتیجه برسد، به طور قطع فردا در جلسه علنی نسبت به نخست‌وزیری وی اتخاذ رای به عمل خواهد آمد.

در مالکیت همه صاحبان خانه تجدید نظر می شود

مهندس شاد رخ، سرپرست دفتر معاملات مسکن
در یک مصاحبه اختصاصی با خبرنگار اطلاعات اعلام
کرد:

اگر مالکین واحدهای مسکونی در مهلت‌هایی که تعیین خواهد شد برای روشن شدن وضع مالکیت خود به دفتر معاملات مسکن مراجعه نکنند و فرم شناسنامه مالکیت را پر نکنند، پس از پایان مهلت‌های تعیین شده دفتر معاملات مسکن طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران قائم مقام ملک خواهد بود و هر گونه تصمیم را هم در ملک مالک خواهد گرفت.

وی، افزو د:

- کلیه مالکان موظفند با مراجعه به دفتر معاملات مسکن، وضع مالکیت خود را روشن کنند.

خبر مرگ «محمد رضا»

ایران را غرق در شادی و سرور کرد

در بی خبر مرگ شاه مخلوع همکار شیطان و یار غار امپریالیسم و سردمداران رژیم کثیف آمریکا و انگلیس یکبار دیگر همچون فراونگینش کلیه شهرهای ایران یکبارچه به حالت سرور و شادی درآمد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس از قم از ساعت ۵ بعد از ظهر دیروز خبر مرگ دیکتاتور خون آشام قرن محمد رضا پهلوی شاه مخلوع مردم شهر قیام و شهادت به شادی و سرور پرداختند و در حالی که با شیپور زدن و روشن کردن چراغ‌های منازل و اتومبیل‌های خود این واقعه را جشن می گرفتند. خبر مرگ شاه مخلوع محمد رضای خائن را به یکدیگر تبریکه گفتند.

نظرخواهی از مردم برای مکتبی کردن ارتش

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران
در اطلاعیه‌ای ضمن ارائه ۱۹ مورد در زمینه هر چه
بیشتر مکتبی و مردمی کردن ارتش جمهوری اسلامی
ایران از کلیه صاحب‌نظران دعوت کرد که نظریات و
پیشنهادهاى خود را در رابطه با این موارد اعلام دارند.
در این اطلاعیه موارد زیر به نظر خواهی گذاشته شده
است:

- ۱- ماموریت و وظائف ارتش در زمان صلح و جنگ.
- ۲- ساخت سازمانی ارتش جهت اجرای ماموریت آن.
- ۳- محتوای ساخت سازمانی با توجه به اسلامی و مردمی بودن ارتش.
- ۴- ...

۴. معلمان روستاهای کشور وام مسکن پرداخت می‌شود

وزارت مسکن و شهرسازی به کلیه معلمان روستاها وام اعطاء می کند - محسن یحوی وزیر مسکن و شهرسازی امروز اعلام کرد که کلیه معلمان که در روستاها مشغول تدریس هستند و یا علاقمند می باشند که به منظور تدریس به روستاهای کشور بروند و در آنجا سکونت کنند در همان روستای محل خدمتشان جهت تهیه واحد مسکونی به آنان وام مسکن پرداخت می گردد وی اضافه کرد: بدین وسیله به اطلاع کلیه آموزگاران روستاها که متقاضی وام مسکن هستند می رساند که تقاضای خود را جهت بررسی و اقدام به ادارات کل مسکن و شهرسازی استان م ب و ط ارسال دار ند.